

آغاز دادگامی  
در لندن درباره‌ی اتهام  
نقض گسترده‌ی حقوق  
اویغورها در چین



اوپریشم بافی،  
گرفتار در پیله‌ی مشکلات  
روایت دستار یاف اوبریشمی از روزهایی که  
کارش از رونق افتاده است

صفحه ۳

طالبان رسانه‌ها؛

بازنمایی و تطهیر



صفحه ۳

سیر تکامل و احتمال  
احیای مجدد تحریک  
طالبان پاکستان (۲)

صفحه ۴

شیطان شوخی ندارد

صفحه ۵

گفت و گو با  
حجت الاسلام دکتر محمود نقوی

صفحه ۷

یادداشت روز

## روزه‌ی سکوت جامعه جهانی

عرصه زندگی در پایتخت، به‌ویژه غرب کابل تنگ‌تر شده است. انفجارهای مرگبار تروریستی در چند روز گذشته از مردم قربانی زیادی گرفته است. در حملات صورت گرفته بیشتر یک گروه قومی و مذهبی خاص مورد حملات گسترده و هدفمند قرار گرفته است. بسیاری این وضعیت را کشتار هزاره‌ها و تلاش برای نسل‌کشی تعبیر و تفسیر کرده‌اند. اما حکومت افغانستان و بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی هنوز به موضوع نسل‌کشی اذعان نکرده و سکوت کرده‌اند.

به دنبال رشته حملات مرگبار اخیر، موجی از خشم در داخل و خارج از افغانستان در روزهای اخیر راه افتاده است. اعتراضات با برگزاری راهپیمایی در برابر سازمان‌های حقوق بشری در بیرون از افغانستان شروع و روز گذشته در قالب یک توفان توییتری ادامه یافت. بسیاری از کاربران افغانستان در داخل و بیرون از کشور در تویتر با ترند کردن «نسل‌کشی هزاره‌ها» از جهان و حکومت افغانستان خواستند که کشتار هدفمند هزاره‌ها را در افغانستان به‌عنوان مصداق نسل‌کشی به رسمیت بشناسند...

۲

کمپین کاربران افغان در تویتر:

## جهان باید کشتار هزاره‌ها را به‌عنوان «نسل‌کشی» به رسمیت بشناسد

شماری از شهروندان افغانستان در کمپینی را در شبکه اجتماعی تویتر در اعتراض به «کشتار هدفمند هزاره‌ها» راه‌اندازی کرده‌اند. این کمپین که زیر نام (#StopHazaraGenocide) راه‌اندازی شده، می‌گوید جهان باید کشتار هزاره‌ها را به‌عنوان «نسل‌کشی» به رسمیت بشناسد و برای حفاظت از هزاره‌ها اقدام کند.



صفحه ۲

شاهدان عینی  
می‌گویند که  
در ائیوبی  
تجاوز به‌عنوان  
سلاح جنگی  
استفاده می‌شود



۴

وزیران خارجه‌ی افغانستان و  
ترکمنستان بر گسترش همکاری‌های  
منطقه‌ای تأکید کردند

اطلاعات روز: نشست دوجانبه وزیران خارجه‌ی افغانستان و ترکمنستان در شهر هرات برگزار شد. در این نشست از طرف افغانستان، هارون...

۲

امریکا ۲۶۶ میلیون  
دالر به افغانستان  
کمک می‌کند



۲

## تعمیر فروشی

یک تعمیر تجارتي به مساحت {316.25 متر مربع} واقع مارکیت میوه {تاجیه 4، کابل - افغانستان} به قیمت مناسب به فروش رسانیده میشود. ضرورت مندان و اشخاصیکه خواهان خریداری آن باشد به شماره تلفون های ذیل تماس گرفته معلومات اخذ نمایند.

+93 (0)797888154 / +93 (0)798888802



بسته‌های ویژه اینترنتی برای  
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی





ادامه‌یادداشت‌روز

معترضان در این کارزار از جهان و حکومت افغانستان خواستند که از هزاره‌ها در افغانستان محافظت کنند.

سکوت جهان باید در برابر فاجعه کشتار در افغانستان شکسته شود. اعتراض در برابر کشتار هدفمند هزاره‌ها مدت‌هاست که به راه افتاده است. این اعتراض با حمله بر مکتب دخترانه سیدالشهدا که یک فاجعه تمام‌عیار انسانی بود، جدیت بیشتری یافت. تاکنون تنها اتحادیه اروپا خواستار توقف کشتار هزاره‌ها در افغانستان شده است. در داخل افغانستان کمیسیون حقوق بشر اولین نهادی است که سکوت را شکسته و با شهادت اخلاقی حملات هدفمند بر هزاره‌ها را نوعی تلاش برای نسل‌کشی به رسمیت شناخته است. اما واقعیت انکارناپذیر این است که جهان مدارک جدی که نشان می‌دهد چندین سال است که هزاره‌ها در معرض نسل‌کشی قرار گرفته‌اند، سکوت کرده‌اند.

سکوت جامعه جهانی در برابر حملات مرگبار بر غیرنظامیان، به‌ویژه هزاره‌ها در افغانستان دو پیامد مخرب داشته است. اول، گروه‌های تروریستی بدون توجه به پیامد کارشان همواره از حمله بر غیرنظامیان و کشتار هزاره به‌عنوان قربانیان راحت و در دسترس استفاده کرده‌اند. کشتن هزاره‌ها در افغانستان برای گروه‌های تروریستی به‌شمول طالبان، هزینه‌ای نداشته است. حتا در سطح ابتدایی نیز پی‌گیری نشده و عاملان جنایت مورد پیگرد قرار نگرفته است. دوم، دولت افغانستان به‌دلیل همین خلای بزرگ، سیاست بی‌تفاوتی در برابر کشتار هدفمند غیرنظامیان و مخصوصا هزاره‌ها را در پیش گرفته است. نهادهای مسئول در افغانستان براساس مدارک و شواهد کافی، نه‌تنها توان کافی، اراده، تعهد و مسئولیت‌پذیری لازم برای حفاظت از هزاره‌ها را نداشته است، بلکه با جان شهروندان بازی سیاسی کرده است. در نتیجه‌ی این دو امر، حملات هدفمندانه بر غیرنظامیان، به‌ویژه هزاره‌ها به‌عنوان قربانیان بی‌دفاع و کم‌هزینه نه‌تنها متوقف نشده که با گذشت هر روز افزایش نیز یافته است.

به‌نظر می‌رسد جهان کم کم ناگزیر از قبول این واقعیت می‌شود که هزاره‌ها به‌صورت بارز در معرض نسل‌کشی قرار دارند. بنابراین، زمان آن است که روزهی سکوت جهان شکسته و جلب توجه جهانی به نسل‌کشی هزاره‌ها به‌منظور به رسمیت شناخته‌شدن آن، حاصل شود. ادامه‌ی سکوت در برابر واقعیت عریان نسل‌کشی هزاره‌ها در افغانستان به معنای دوام این وضعیت است. حساب گروه‌های تروریستی روشن است، اما حکومت افغانستان نیز اراده‌ی جدی و لازم را برای حفاظت از شهروندان در معرض خطر ندارد. بنابراین جامعه جهانی باید حکومت افغانستان را برای حفاظت از شهروندان آسیب‌پذیر از جمله هزاره‌ها زیر فشار بگذارد.

چندین سال است که حملات زنجیره‌ای بر غرب کابل فاجعه‌آفرین می‌شود. با هر بار حمله حکومت وعده تأمین امنیت را می‌دهد. به‌عنوان مثال در سال ۱۳۹۷ رییس‌جمهور غنی وعده داد که عین تدابیر امنیتی که در ساحه سبز کابل گرفته شده، در غرب شهر نیز استفاده خواهد شد. با گذشت حدود سه سال از این وعده هنوز خبری از تأمین امنیت نیست. با هر فاجعه‌ای که در غرب کابل اتفاق افتاده حکومت طرح امنیتی را پیش کشیده است که خیلی زود مسکوت مانده است. اکنون سناریو همان است؛ فاجعه پشت سر فاجعه و وعده‌های میان‌خالی حکومت برای تأمین امنیت غرب کابل. طرح امنیتی غرب کابل که حکومت پس از فاجعه حمله تروریستی بر مکتب سیدالشهدا روی دست گرفته، هنوز نامشخص است. سرنوشت این طرح تبدیل شده به جنجال سیاسی. مشاور ارشد امنیتی رییس‌جمهور می‌گوید طرح پیشنهادی رد شده است. معاون رییس‌جمهور می‌گوید رد نشده است. قرار بود این طرح در دو هفته ساخته و پرداخته می‌شد، اما با گذشت بیش از سه هفته هنوز خبری از این طرح نیست. به‌نظر می‌رسد نوعی بازی سیاسی با جان مردم در حکومت در جریان است و این طرح نیز خیلی زود مسکوت خواهند ماند.

اطلاعات روز: شماری از شهروندان افغانستان در کمپینی را در شبکه اجتماعی تویتر در اعتراض به «کشتار هدفمند هزاره‌ها» راه‌اندازی کرده‌اند.

این کمپین که زیر نام (StopHazaraGenocide) راه‌اندازی شده، می‌گوید جهان باید کشتار هزاره‌ها را به‌عنوان «نسل‌کشی» به رسمیت بشناسد و برای حفاظت از هزاره‌ها اقدام کند.

عارف رحمانی، عضو مجلس نمایندگان نوشته است که اعتراف‌نکردن به «نسل‌کشی» هزاره‌ها توسط دولت افغانستان، سازمان‌ها و نخبگان سیاسی و حقوق بشری یک «ستم مضاعف» به این بخش از شهروندان «تحت ستم و تبعیض» است.

آقای رحمانی ابراز امیدواری کرده است که دولت افغانستان با اعتراف به این «نسل‌کشی»، تدابیر جدی را به‌منظور پایان دادن به آن روی‌دست گیرد. او تأکید کرده است: «دنیا باید چشم خود را بر روی این نسل‌کشی سیستماتیک نبیند.»

احمد بهزاد، عضو پیشین مجلس نمایندگان نوشته است: «کشتار هدفمند؛ بخشی از سیاست حذف است. این سیاست در عرصه‌های مختلف با روش‌ها و ابزار گوناگون اجرا می‌شود. میان نسل‌کشی هزاره‌ها و تبعیض سیستماتیک علیه این جامعه، رابطه معناداری وجود دارد. عوامل کشتار و تبعیض، به حذف می‌انديشند. برای توقف کشتار، تبعیض پایان یابد.»

ناصر تیموری، مسئول دادخواهی و ارتباطات دیدبان شفافیت افغانستان نوشته است

که «نسل‌کشی» هزاره‌ها در افغانستان به‌خصوص در یک رشته حملات در غرب کابل بعد از حمله به مکتب سیدالشهدا مطرح شد، اما «واقعیت امر این است که این نسل‌کشی زمانی شروع شد که مراکز صحنی، دینی، تعلیمی، مساجد و… در غرب کابل به‌صورت سیستماتیک مورد حمله قرار گرفت.»

حسبیا عفت، عضو پیشین شورای ولایتی پروان کاربر دیگری است که به این موضوع پرداخته است. خانم عفت نوشته است که هیچ یک از اقوام افغانستان در امنیت بسر نمی‌برد، اما در برابر «کشتار هدفمند و سیستماتیک خواهران و برادران هزاره هم نباید خاموش ماند».

پرویز شمال نوشته است که در افغانستان تمامی اقوام به‌شمول هزاره، پشتون، تاجیک، اوزبیک و… آسیب دیده‌اند، اما از این واقعیت نیز چشم‌پوشی نمی‌توان کرد که پیر، جوان، کودک و حتا نوزاد هیچ قومی مانند هزاره‌ها تنها به‌خاطر تبارشان هدف حمله قرار نگرفته

و «سلاخی» نشده است. خلیل پژواک، خبرنگار اصرار هزاره‌ها بر «نسل‌کشی» بودن کشتار این مردم را دعوا برای کسب امتیاز یا افتخار نه، بلکه تلاشی «حداقل» برای به رسمیت‌شناختن رنج و دردشان دانسته است.

صحرا کریمی، رییس افغان‌فلم کشتار هدفمند یک قوم خاص را شعله‌ورکردن نفاق و دشمنی بین قوم‌های ساکن در افغانستان، بنیادی‌کردن بی‌عدالتی و ظلم دانسته است. او نوشته‌است: «کشتارهای هدفمند دنباله‌دار

### خبرهای داخلی

**کمپین کاربران افغان در تویتر:**

## جهان باید کشتار هزاره‌ها را به‌عنوان «نسل‌کشی» به رسمیت بشناسد

تهپه‌های دانایی، روشنایی و معارف در غرب کابل تنها کسانی آرام گرفته‌اند که به «جرم» هزاره بودن کشته شده‌اند. او پرسیده است: «چطور می‌توانیم چشم بر این همه اندوه و درد بیندیم و پشت نقاب حرف‌های کلیشه‌ای پنهان شویم؟»

این درحالی است که اخیر موجی از حملات هدفمند در غرب کابل آغاز شده است. در ۱۸ ثور مکتب سیدالشهدا در غرب کابل هدف حمله قرار گرفت که در نتیجه حدود ۹۰ نفر کشته و بیش از ۲۴۰ نفر دیگر زخمی شدند. در جریان هفته‌ی گذشته نیز دست‌کم چهار انفجار ماین بر موترهای مسافری در حوزه‌های سوم و ششم شهر کابل جان نزدیک به ۲۰ غیرنظامی را گرفت و بیش از ۲۰ غیرنظامی دیگر را زخمی کرد.

سرور دانش، معاون دوم ریاست‌جمهوری حملات مکرر اخیر در غرب را «کشتار و نسل‌کشی» خوانده و گفته است که نهادهای امنیتی و کسانی که در حکومت به‌طور مستقیم مسئولیت تأمین امنیت را بر عهده دارند، مکلفند که هرچه زودتر در برابر این «کشتار و نسل‌کشی» اقدام کرده و به مردم پاسخگو باشند.

پیشتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان حمله بر مکتب سیدالشهدا را «پاکسازی قومی و نسل‌کشی» خوانده بود. خانواده‌های قربانیان حمله بر مکتب سیدالشهدا نیز از حکومت افغانستان و جامعه جهانی خواسته بودند که این حمله را به‌عنوان مصداق «نسل‌کشی» به رسمیت بشناسند.

قوم خاص نسل‌کشی است و نباید در مقابلش سکوت کرد.»

نازنین وطن‌دوست، کاربری دیگری که ظاهرا از قوم تاجیک است، نوشته که اگر نسل‌کشی برادران و خواهران هزاره خود را انکار کند، انسانیت او زیر سؤال می‌رود.

کاربری دیگری نوشته است که حکومت حدود ۳۰۰ هزار نیروی دفاعی دارد، اما امنیت هزاره‌ها را در پایتخت تأمین نمی‌تواند. این کاربر احتمال داده است که حکومت با ترورستان هماهنگ و هم‌دست در نسل‌کشی هزاره‌ها دست دارد.

لیلا فروغ محمدی، فعال مدنی نوشته است: «هزاره‌ها نماد مدنیت و دموکراسی در افغانستان بوده‌اند، سالهاست تفنگ بر زمین گذاشته و قلم به‌دست دارند، اما هر روز در دانشگاه، خیابان، مکتب و مساجد به‌صورت هدفمند کشته می‌شوند.»

قدسیه، کربر دیگری نوشته است: «بعضی‌ها/ شماری فکر می‌کنند اگر پافشاری بر نسل‌کشی‌خواندن هزاره‌ها کنیم، وحدت نیم‌بند ملی مان از بین خواهد رفت و قومی خودشان را در مصونیت و قومی در خطر احساس خواهد کرد، اما برعکس اگر ما چشم‌پوشی بر نسل‌کشی هزاره‌ها کنیم، این نادیده‌گرفتن‌ها آسیب به وحدت ملی ما می‌زند.»

قدسیه گفته است که وحدت ملی زمانی به نمایش گذاشته می‌شود که تمامی اقوام کنار مردم هزاره بایستند و نسل‌کشی بر علیه این قوم را نادیده نگیرند.

محمد جلال نیز نوشته است که در قلب

## امریکا ۲۶۶ میلیون دالر به افغانستان کمک می‌کند

وزیر خارجه‌ی این کشور همچنین در یک بیانیه توضیح داده است که بسته‌ی جدید ۲۶۶ میلیون دالری از کمک‌های بشردوستانه‌ی امریکا به افغانستان شرکای بین‌المللی افغانستان را در فراهم‌کردن سرپناه، فرصت‌های معیشتی، کمک‌های اضطراری غذایی، آب و مراقبت‌های بهداشتی کمک می‌کند.

در همین حال، او از دولت افغانستان و گروه طالبان خواسته که برای دست‌یابی به یک توافق سیاسی و آتش‌بس تلاش‌های‌شان را تشدید کنند تا بی‌جاشدگان و پناهندگان بتوانند به خانه‌های‌شان برگردند.

با اعلام بسته‌ی جدید ۲۶۶ میلیون دالری، مجموع کمک‌های بشردوستانه‌ی امریکا به افغانستان از سال ۲۰۰۲ میلادی تاکنون به ۳.۹ میلیارد دالر می‌رسد.

## ادعاهای ضدونقیض در خصوص سقوط پنج ولسوالی در چهار ولایت به‌دست طالبان

در این دو ولسوالی تلفات وارد نشده است. پاینده‌زوی افزود که از ۲۰ روز بدینسو ولسوالی‌های دوآب و مندول زیر محاصره‌ی شدید طالبان بود، اما به‌دلیل نرسیدن نیروهای کمکی، برخی از نیروهای امنیتی و دفاعی به طالبان تسلیم شده و شماری دیگر نیز عقب‌نشینی کرده‌اند.

این درحالی است که خروج نیروهای خارجی از افغانستان رسما در اول ماه می کلید خورد. در جریان ماه می دست‌کم چهار ولسوالی در ولایت‌های بغلان، لغمان و میدان‌وردک سقوط کرده بود.

وزارت‌های دفاع و داخله در آن زمان گفته بودند که نیروهای امنیتی و دفاعی از ولسوالی‌های نرخ و جلریز در میدان‌وردک، بُرکه در بغلان و دولت‌شاه در لغمان عقب‌نشینی «تکتیکی» کرده‌اند.

در همین حال، منابع حکومتی در ولایت نورستان که نمی‌خواهند نام‌شان در خبر ذکر شود، به روزنامه اطلاعات روز گفته‌اند که ولسوالی‌های دوآب و مندول این ولایت دو شب پیش به‌دست گروه طالبان سقوط کرده است. این منابع اما جزئیات بیشتری در مورد ارائه نکرده‌اند.

همزمان با این، سعدالله پاینده‌زوی، رییس شورای ولایتی نورستان در صحبت با روزنامه اطلاعات روز، سقوط ولسوالی‌های دوآب و مندول این ولایت به‌دست گروه طالبان را تأیید کرده است.

آقای پاینده‌زوی گفته است که این دو ولسوالی حوالی ساعت ۹:۳۰ دقیقه‌ی دو شب پیش سقوط کرده و نیروهای امنیتی و دفاعی مجبور به عقب‌نشینی شده‌اند. او تأکید کرد که به نیروهای امنیتی و دفاعی

سقوط ولسوالی‌ده‌یک را رد کرده و گفته است که بنا بر خواست مردم محل، مقر ولسوالی از یک جا به جای دیگر (حدود ۱۰۰ متر دورتر) نقل مکان کرده است.

منابع محلی در ولایت زابل نیز سقوط ولسوالی شینکی این ولایت به‌دست گروه طالبان را رد می‌کنند و ادعای این گروه را کاملا «دروغ» می‌دانند.

گل‌اسلام سیال، سخن‌گوی والی زابل به روزنامه اطلاعات روز گفت که تمامی تأسیسات دولتی به‌شمول فرماندهی پولیس ولسوالی شینکی تحت کنترل نیروهای امنیتی و دفاعی قرار دارد. آقای سیال گفت که نیروهای امنیتی و دفاعی در مرکز ولسوالی شینکی دو روز پیش (جمعه، ۱۴ جوزا) اکمال شده و «تبلیغات» طالبان در مورد سقوط این ولسوالی صحت ندارد.

اطلاعات روز: گروه طالبان ادعا کرده است که کنترل مرکز ولسوالی گیزاب ولایت ارزگان، ولسوالی ده‌یک ولایت غزنی، ولسوالی شینکی ولایت زابل و ولسوالی‌های دوآب و مندول ولایت نورستان را به‌دست گرفته است.

سخن‌گویان طالبان ادعا کرده‌اند که در نتیجه‌ی حملات جنگ‌جویان این گروه بر ولسوالی‌های یادشده، شماری از نظامیان دولتی کشته و زخمی و مقدار زیادی سلاح و مهمات نیز به‌دست آنان افتاده است.

در همین حال، طارق آرین، سخن‌گوی وزارت داخله در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که نیروهای امنیتی از ولسوالی گیزاب ولایت ارزگان «عقب‌نشینی تکتیکی» کرده‌اند.

واحداالله جمعه‌زاده، سخن‌گوی والی غزنی

## وزیران خارجه‌ی افغانستان و ترکمنستان بر گسترش همکاری‌های منطقه‌ای تأکید کردند

هرات، خط آهن، صادرات سنگ مرمر، راه ترانزیتی لاجورد، صلح و امنیت و تأمین آکسیجن بیشتر صحبت کنند.
اتمر همکاری مشترک با ترکمنستان را در راستای تأمین صلح و برقراری امنیت موثر خواند و گفت: «گفت‌وگوهای امروز و فردای ما در راستای تحکیم و تعمیق همکاری‌ها و دوستی میان دو کشور می‌باشد.»

در همین حال، رشید مردوف، وزیر خارجه ترکمنستان می‌گوید که رییس‌ان‌جمهور افغانستان و ترکمنستان برای بهبود وضعیت اقتصادی تلاش می‌کنند و هدف سفرش به هرات تحکیم روابط برادری و دوستی میان دو کشور می‌باشد.

پروژه‌های تایی یا خط انتقال گاز ترکمنستان از مسیر افغانستان به پاکستان و هند و انتقال برق به پاکستان از طریق افغانستان، دو پروژه بزرگ اقتصادی میان ترکمنستان و افغانستان را تشکیل می‌دهد.

اطلاعات روز: نشست دوجانبه وزیران خارجه‌ی افغانستان و ترکمنستان در شهر هرات برگزار شد. در این نشست از طرف افغانستان، هارون چخان‌سوری، وزیر معادن و پترولیم، اجمل احمدی، سرپرست بانک مرکزی و احمدداوود نوزوی، رییس شرکت برق‌رسانی افغانستان (برشنا) نیز حضور داشتند.

رشید مردوف، وزیر خارجه‌ی ترکمنستان و محمدحنیف اتمر، وزیر خارجه‌ی افغانستان دیروز (شنبه، ۱۵ جوزا) در این نشست بر گسترش همکاری‌های منطقه‌ای تأکید کردند. وزیران خارجه‌ی دو کشور ابراز امیدواری کردند که تطبیق پروژه‌های کلان اقتصادی باعث تأمین امنیت و شکوفایی اقتصادی در سطح منطقه شود.

آقای اتمر در جریان صحبت‌هایش گفت که سفر همتای ترکمنستانی‌اش به ولایت هرات دو روزه است و قرار است دو طرف روی پروژه‌های تایی، برق‌رسانی به ولایت



## ■ واجد روحانی - هرات

محمدصغر ۸۴ یکی از مسن‌ترین ابریشم‌بافان هرات است و ۷۰ بهار زندگی‌اش را صرف بافت تکه و دستارهای ابریشمی کرده است. او حالا یگانه میراث‌دار دستاربافی در هرات است و به غیر کارگاه او، دیگر کارگاه دستاربافی فعال وجود ندارد، اما بیشتر ساعات روز کارگاهش به دلیل فروش کم ابریشم غیرفعال است. هرات در بخش ابریشم‌بافی از شهرت فراوانی برخوردار است، اما اقبال ابریشم‌بافان پایین و شمارشان به کمتر از پنج تن کاهش یافته است. ابریشم‌بافان هرات به‌شمول محمدصغر از رکود کامل ابریشم‌بافی تا پنج سال دیگر هشدار می‌دهند.

محمدصغر به روزهای پررونق ابریشم‌بافی اشاره می‌کند که از صبح‌دم تا شامگاه در کارگاه کوچک‌اش ابریشم می‌بافته و حالا کار زیاد در این کسب، بیشتر از واقعیت به یک رویا می‌ماند: «همین حالا هم خیلی علاقه به ابریشم‌بافی دارم و اگر همین شوق نمی‌بود، باید کسب ابریشم‌بافی را ترک می‌کردم. متأسفانه حالا خریداران لنگی (دستار) و تکه ابریشمی بسیار کم است و ما هم بیشتر وقت‌ها در دکان بیکاریم.»

هر دستاری ابریشم‌بافی شش‌متره تا ۳۵۰۰ افغانی در بازار هرات به فروش می‌رسد و در سویی دیگر، یک دستار تقلبی ابریشمی ساخت پاکستان، به کمتر از ۵۰۰ افغانی به فروش می‌رسد.

پوشش هراتیان تغییر کرده است و حالا تنها خریداران دستار، مردان کهن‌سال هستند و جوانان از دستار بسیار کم و آن‌هم شوقی استفاده می‌کنند. اما محمدصغر، با تغییر پوشش، قادر به بافت تکه‌های ابریشمی برای تولید لباس زنانه و مردانه است.

حتا در برخی مواقع افغان‌های ساکن اروپا و امریکا در سفر به زادگاه‌شان هرات، تکه‌های ابریشمی را از محمدصغر می‌خرند تا این کالای لوکس هراتی را به خارج کشور به‌عنوان سوغاتی ببرند.

محمدصغر در تقلائی روزی است تا با بازاریابی تکه‌های ابریشمی نزد طراحان مطرح خارجی، تقاضا برای خریداری ابریشم بلند برود و کارگاه‌های ابریشم‌بافی به گردش بیفتد: «اگر ابریشم هرات به خارج برود، کار و بار ما

## ابریشم بافی، گرفتار در پیله‌ی مشکلات

روایت دستارباف ابریشمی از روزهایی که کارش از رونق افتاده است



قدر نمی‌کنند. من هر طرحی داشتیم، برای رشد ابریشم‌بافی انجام دادیم، اما نتوانستیم که از فراموشی این هنر جلوگیری کنیم.»

### تنها یک کارگاه از ۱۵ کارگاه

در کنار محمدصغر، محمدآصف ۵۰ ساله نیز یکی از ابریشم‌بافان مطرح هراتی است. او در جاده شمالی مسجد جامع بزرگ هرات، تنها کارگاه ابریشم‌بافی را که در بخش دیگر تولیدات دارد، می‌چرخاند. حدود ۱۵ سال قبل در این جاده دست‌کم ۲۰ کارگاه ابریشم‌بافی فعال بود، اما حالا به یک کارگاه کاهش یافته است.

سه نسل از خانواده محمدآصف درگیر ابریشم‌بافی بوده‌اند و حالا خودش آخرین عضو خانواده‌اش است که ابریشم می‌بافت. او در مصاحبه با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که هیچ افق روشنی برای جلوگیری از رکود کامل ابریشم‌بافی وجود ندارد: «حالا بیشتر وقت‌ها در دکان بیکارم و کسی ابریشم خریداری نمی‌کند. در گذشته در یک روز تا پنج دستمال ابریشمی می‌بافتیم، اما دستمال‌های تقلبی چینیایی، کار و

شغل نکرده و در زمان حاکمیت گروه طالبان در افغانستان، افغان‌ها را در شهر مشهد آموزش ابریشم‌بافی داده است.

با سقوط رژیم طالبان توسط ائتلاف جهانی به رهبری ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۰۱ میلادی، محمدصغر مانند هزاران افغان با مهاجرت در ایران وداع کرد و به وطن برگشت. او توقع داشت که در زادگاهش بتواند هنر ابریشم‌بافی را رشد دهد، اما موفق به این کار نشد و جلو چشم‌اش بسیاری از دوستانش با ابریشم‌بافی به‌دلیل نبود بازار فروش مناسب ترک شغل کردند.

دستارهای ابریشمی محمدصغر به رنگ‌های سیاه، سفید، فولادی و شتری با رنگ طبیعی به مرحله تولید می‌رسد. این دستارها به گفته محمدصغر، سر را در تابستان سرد و در زمستان گرم نگه‌می‌دارد و دوام بیشتری هم دارد. آینده‌ی ناروشن ابریشم‌بافی، محمدصغر را مجبور کرد که فرزندانش را به این کسب درگیر نکند: «من نخواستم که بچه‌های من ابریشم‌باف را شوند، چرا که مردم و حکومت ابریشم‌باف را

خوب می‌شود. خارجی‌ها می‌توانند از تکه‌های ابریشمی لباس‌های خوبی جور کنند.»

### «آینده‌ی ناروشن»

تاجران افغان با بردن نمونه‌های دستمال و دستار ابریشم به چین و پاکستان و واردات ابریشم تقلبی، صنعت ابریشم‌بافی هرات را به رکود سوق داده‌اند و به همین سبب شمار دستگاه‌های فعال ابریشم‌بافی طی دو دهه‌ی اخیر از ۴۰۰ به کمتر از پنج دستگاه رسیده است.

شمار زیادی از ابریشم‌بافان در سایه‌ی نبود بازار فروش مناسب، ترک شغل کرده‌اند تا از این طریق بتوانند بقای مصارف خانواده‌های‌شان را تضمین کنند.

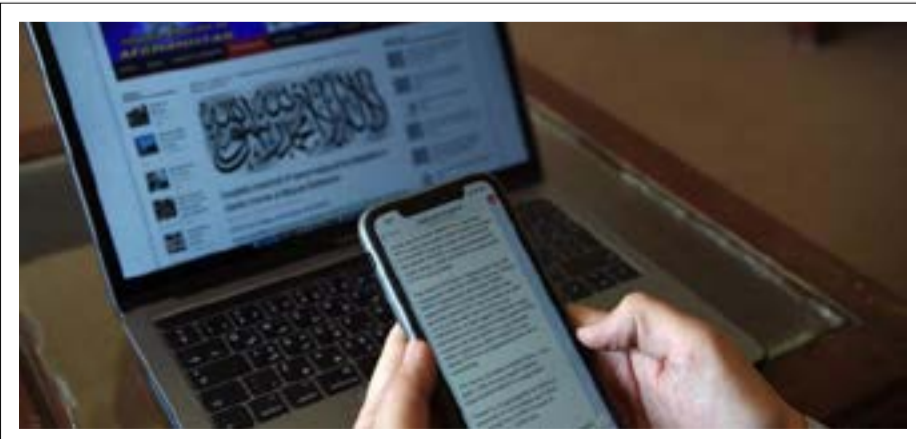
اما محمدصغر هنوز هم اشتیاق فراوان برای بافت دستار و دستمال ابریشمی دارد و قصد دارد که تا آخرین لحظه‌ی زندگی‌اش ابریشم‌باف باشد؛ با وجودی که از ابریشم‌بافی درآمد ناچیز به‌دست می‌آورد. محمدصغر حتا در زمان مهاجرت به ایران ترک

## طالبان رسانه‌ها؛ بازنمایی و تطهیر

حفظ منصور، عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت افغانستان، که از نزدیک به رهبران طالبان دیده باور دارد که هیچ تغییری در فکر و ایدئولوژی طالبان نیامده است؛ خشکاندیشی، دیگرستیزی، تروریسم‌پروری، توسل به بعد نظامی به جای گفت‌وگو، کفرپنداری همه کسانی که با این گروه مخالفت سیاسی دارند و در آخر زن‌ستیزی و نگاه افراطی توأم با تصعب‌های قومی به دین از مواردی است که طالبان هنوز به آن باورمند بوده و تغییر نکرده‌اند. جنگ‌جویان وابسته به گروه طالبان در روستاها همان فکر و اندیشه‌ی تمامیت‌خواهانه و افراط‌گرایان قبلی را داشته‌اند. این مورد تنها به بدنه نظامی طالبان خلاصه نمی‌شود بلکه رهبران جهان‌دیده‌ی این گروه که در قطر و پاکستان به سر می‌برند نیز چنین دیدگاه قرون وسطایی به افغانستان و مؤلفه‌های جهان‌مدن دارند. با تمام شواهد و قرائن مبنی بر این که هیچ تغییری نه در بعد نظامی و نه بینش و جهان‌بینی این گروه آمده است، رسانه‌ها بعد از توافق‌نامه دوحه میان امریکا و طالبان، تعداد زیادی متن و صدا و ویدیو را برای تطهیر

نیوز مستندی ساخت که طالبان علیه داعش می‌جنگند و نیویارک تایمز و واشنگتن پست مقاله نوشت که طالبان تغییر کرده‌اند. طالبان نیز از میدان خلق شده به نفع‌شان استفاده عظیمی کرده و در رسانه‌ها ظاهر شدند تا بگویند که رویکرد این گروه تغییر کرده و دیگر از آن سخت‌گیری‌ها، خشکاندیشی‌ها و دیگرستیزی‌های قبلی را ندارند.

پرسش اساسی این است که آیا این تصویر بازنمایی شده از طالبان در نمایش‌های رسانه‌ای، تصور تار و مخدوش نیست؟ آیا رسانه‌های غربی بعد از امضای توافق‌نامه دوحه بین طالبان و امریکایی‌ها در پی آن نبودند که طالبان را تطهیر کرده و زمینه‌های بازنمایی مثبت آن‌ها را فراهم کنند؟ مزید بر این، آیا همان‌طور که رسانه‌ها تبلیغ می‌کنند، طالبان واقعا تغییر کرده‌اند؟ تفاوت‌ها و شباهت‌های طالبان پیش از توافق‌نامه دوحه با طالبان اکنون در چیست؟ پرداختن به این پرسش‌ها می‌تواند بخشی از زاویه‌های تاریک معمای تغییر طالبان را آفتابی کرده و زمینه‌های فهم ماهیت آن را مساعد نماید.



### ■ ایومسلم خراسانی

رسانه‌ها قدرت تغییر واقعیت‌های پیرامون ما را دارند. به عبارت دیگر پژوهشگران حوزه‌ی رسانه باور دارند که جهان‌بینی انسان مدرن ساخت یافته‌ی دنیای رسانه‌ای است. از همین‌رو ادوارد سعید، پژوهشگر و منتقد نام‌آشنای فلسطینی‌الاصل امریکایی، کتاب «اسلام رسانه‌ها» را نوشت و بر این مهم انگشت انتقاد گذاشت که فهم و نگاه غرب از اسلام رسانه‌ای، تحریف‌شده، کج‌نمایی و بازنمایی شده است که زمینه‌های سوءبرداشت را نسبت به اسلام و مسلمان‌ها فراهم کرده است.

سعید استدلال می‌کند که این تصور از اسلام که غربی‌ها در رسانه‌های بزرگ‌شان تبلیغ می‌کنند، تصویر تار و خلاف واقعیت‌های تاریخی، عینی و امروزی اسلام و مسلمان‌ها است. بر همین مبنا بود که او کتاب معروف اسلام رسانه‌ها را نوشت و رویکرد غول‌های رسانه‌ای غرب را در قبال اسلام مورد بازاندیشی و نقد قرار داده و افزود که این رویکرد جهت‌دار و غرض‌ورزانه می‌باشد. حتا او در پروژه بزرگ‌ترش، یعنی شرق‌شناسی، این دیدگاه از بالا به پایین غربی‌ها را مورد نقد و بررسی قرار داد.

با این درآمد کوتاه مبنی بر نقش رسانه‌ها در برساخت‌های پدیده‌ها و از سوی دیگر رویکرد رسانه‌ها نسبت به دنیای شرق و اسلام، نگارنده در پی آن است تا نقش غول‌های بزرگ رسانه‌ای غرب در قبال طالبان را مورد بررسی قرار دهد که از آن به‌عنوان «طالبان رسانه‌ها» نام برده است. برای این‌که نگارنده مانند ادوارد سعید بر این باور است که رسانه‌های غربی، که قدرت خلق و تغییر واقعیت‌های پیرامون ما را دارند، در بیشتر از یک سال گذشته دست به خلق «طالبان رسانه‌ها» زده و در پی آن بودند که این گروه را بازنمایی، تطهیر و تلطیف کنند. تا جایی که بزرگ‌ترین رسانه‌های غربی و غول‌های خبر و تحلیل تلاش کردند تا به دنیا بگویند که طالبان تغییر کرده و این گروه به از ارزش‌های انسانی، تفاوت‌های مذهبی، آزادی‌های فردی و تنوع و تکثر حرمت می‌گذارند. طلوع

بار ما را تعطیل کرد.»

بیشتر پیله‌وری و تولید ابریشم در ولسوالی «زنده‌جان» ولایت هرات انجام می‌شود. زنان در این ولسوالی بیشتر به پیله‌وری و تولید نخ‌های ابریشمی مصروف‌اند.

مریم شیخ، یکی از مسئولان کارگاه‌های ابریشمی در زنده‌جان است. او به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که به شمار زنانی که مصروف پرورش کرم پیله و همچنین نخ‌ریسی ابریشم افزوده شده است. او می‌گوید که در دوره‌های آموزشی برای زنان تلاش می‌کند تا صنعت ابریشم‌بافی در زنده‌جان دوباره جان بگیرد، اما این کار زمان‌بر است.

### ثبت یونسکو

مسئولان فرهنگی هرات می‌پذیرند که شمار کارگاه‌های ابریشمی به حداقل کاهش یافته است، اما آنان تنها روزنه امید برای بقای این کسب را، ثبت در یونسکو می‌دانند. جاوید ضرغام، آمر فرهنگ و هنر ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که با ثبت ابریشم‌بافی در فهرست یونسکو، بازار فروش ابریشم هرات به کشورهای خارجی باز خواهد شد.

اما ثبت ابریشم در فهرست یونسکو برای افغانستان به مثابه گذر از هفت خوان رستم است. فرهنگیان هرات به مسئولان فرهنگی پیشنهاد می‌کنند که در گام نخست ابریشم‌بافی را ثبت ملی کنند تا این هنر یک گام به ثبت در یونسکو نزدیک‌تر شود. وعده‌ها به دل ابریشم‌بافان کهنه‌کار هراتی چنگ نمی‌زند و این حرف‌ها را تنها وعده می‌دانند.

حکومت با وضع تعرفه‌های سنگین بر ورود پوشاک ابریشمی تقلبی از کشورهای پاکستان و چین می‌تواند به کارگاه‌های ابریشم‌بافی کمک کند تا آنان بار دیگر به این کسب رجوع کنند و هرات به یکی از شهرهای مشهور در بخش ابریشم‌بافی در سطح منطقه مبدل شود.

به روایت محمدصغر و محمدآصف، کهنه‌کاران صنعت ابریشم‌بافی در هرات دستارهای تقلبی پاکستان به‌نام تولید هرات به فروش می‌رسد و این باعث بی‌اعتمادی مردم به کیفیت دستارهای ابریشمی شده است: «ابریشم‌بافی کاملا در حالت سقوط است و ما روزبه‌روز به سقوط این هنر نزدیک و نزدیک‌تر می‌شویم. نه مردم از ما حمایت می‌کنند و نه هم حکومت.»

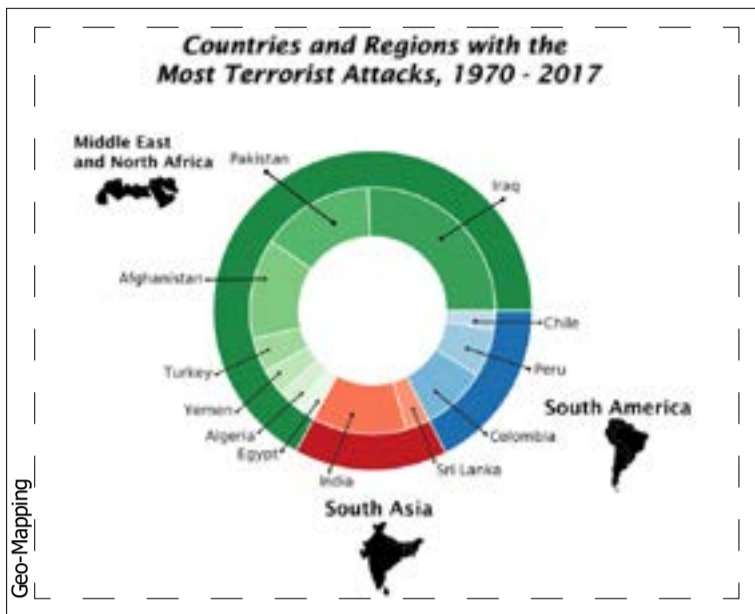
### تحلیل

این گروه نشر کردند. همه‌ی این کارها برای تغییر افکار عمومی نسبت به طالبان صورت گرفت. البته این بازنمایی از زمانی آغاز شده که کرزی رییس‌جمهوری پیشین افغانستان از طالبان به‌عنوان برادران ناراضی یاد کرد. حالا نیز رسانه‌ها کمتر به بعد تروریستی بودن طالبان می‌پردازند و بیشتر این گروه را به مثابه یک گروه سیاسی مخالف دولت افغانستان ارتقاء داده‌اند.

حقیقت این است که طالبان نه از نگاه معرفت‌شناسی تغییر کرده‌اند و نه از نگاه نظامی؛ چون رهبران این گروه باور دارند که می‌شود با رویکرد نظامی‌محور، با آنچه ناجی‌ایی‌بکر از آن به‌عنوان «هدریت توحش» می‌نامد، در افغانستان پیروز شد. و از سویی هم نگاه‌شان به دین افراطی و جرم‌اندیشانه است. رسانه‌ها اما این حقیقت آشکار را نادیده گرفته و پخش و نشر اطلاعات بازنمایی شده در سدد تطهیر این گروه در بعد سیاسی و فرهنگی هستند. رسانه‌ها یا به صورت ناآگاهانه و یا به صورت آگاهانه دست به تطهیر و بازنمایی طالبان زده و برای این گروه میدان‌های رسانه‌ای و زمینه‌های دیگر را فراهم کرده‌اند.

کاربست رسانه‌ها در خدمت تروریسم جهانی یکی از نقدهای جدی بر رسانه‌ها می‌باشد. امروز کلید واژه‌ی به‌نام تروریسم رسانه‌ای نیز وارد ادبیات رسانه‌ها شده است. از سوی دیگر، رسانه‌ها با نشر و بازنمایی و تبلیغ مربوط به این گروه‌ها خود به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در فرایند تأثیرگذاری تروریسم شریک می‌شوند. حال آن‌که رسانه‌های داخلی و خارجی در افغانستان به صورت آگاهانه دست به بازنمایی و تطهیر طالبان زده‌اند. با آن که همه می‌دانند در سه سال، که مذاکرات صلح آغاز شده و برابند آن توافق‌نامه دوحه می‌باشد، هیچ تغییری در میدان‌های نبرد نیامده است. هنوز خشونت‌ها به گونه بی‌سابقه افزایش یافته و ترورهای هدفمند، بمب‌گذاری‌های انتحاری و شعله‌های آتش در جغرافیای جنگ افزایش یافته است.





تحقیقات نشان می‌دهد در شرایطی که گروه‌های شبه‌نظامی قادر به حفظ شبکه‌های مالی هستند و دولت قادر به اجرای مناسب قانون نیست، عملیات نظامی ممکن است منجر به حذف شبه‌نظامیان نه بلکه منجر به پراکندگی آن‌ها در مناطق کم خطر در همان کشور یا کشورهای همسایه شود.

## سیر تکامل و احتمال احیای مجدد تحریک طالبان پاکستان (۲)

شد و تلاش کرد تا با شبه‌نظامیان، به‌ویژه با صوفی محمد از تحریک نیفاض شریعت محمدی، یک گروه جنگ‌جو که مدت‌ها طرفدار اجرای قانون شرع در بخش مالاکند پاکستان بود، توافق کند. نتیجه این توافق‌نامه مالاکند بود، یک توافق‌نامه صلح که هدف آن پایان دادن به عملیات نظامی و شبه‌نظامیان و اجازه دادن به اجرای قوانین شرع در مناطق شمال غربی پاکستان مانند مالاکند، سوات، شانگلا، بونر، دیر، چیترا و کوهستان بود. با این حال، در اپریل ۲۰۰۹ ستیزه‌جویان شروع به اشغال ساختمان‌های دولتی کردند، به مناطق همسایه مانند بونر نقل مکان کردند و حمله به مراکز پولیس و مرزبانان را آغاز کردند. حملات تحریک طالبان پاکستان در سال ۲۰۱۰ به اوج خود رسید و این نشان دهنده شکست رویکرد تقسیم و تسخیر ارتش است. این موارد نقض توافق‌نامه همراه با فشار مداوم از سوی ایالات متحده، باعث ایجاد یک سلسله عملیات نظامی شد. در اکتبر

استراتژی رهبری، مبارزات داخلی و متلاشی شدن بسیاری از عملیات‌های نظامی اولیه علیه تحریک طالبان پاکستان موفقیت محدودی به همراه داشت که به این گروه اجازه می‌داد قدرت خود را تثبیت کند. اقدامات انجام شده علیه ستیزه‌جویان بین سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ شامل حملات نظامی پاکستان به شهرهای میرعلی، میرامشاه، رزمک و شاول در وزیرستان شمالی، به علاوه تعداد محدودی از حملات هواییمای بدون سرنشین آمریکایی بود. اما پس از این حملات، ارتش اغلب نتوانست قلمرو خود را تأمین و از غیرنظامیان محافظت کند. عدم وجود یک استراتژی منسجم بلند مدت در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۹ با این واقعیت تأیید شد که در حالی که این ارتش به شبه‌نظامیان تحریک طالبان پاکستان حمله می‌کرد، ارتش پاکستان همچنین در حال مذاکره با رهبران این گروه ستیزه‌جو نیز بود. در فبروری ۲۰۰۹ ارتش پس از عدم دستیابی مجدد به کنترل سوات، تسلیم

بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ تعداد زیادی از حملات تحریک طالبان پاکستان به ارتش و همچنین غیرنظامیان متمرکز بود. با این حال به نظر می‌رسد پس از سال ۲۰۱۴، این گروه پولیس را هدف اصلی خود قرار داده است. بررسی عملیات راه‌اندازی شده توسط دولت علیه تحریک طالبان پاکستان نشان می‌دهد که این تغییر جهت ممکن است به تغییر تاکتیک‌های نیروهای امنیتی مرتبط باشد؛ بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ حملات هواییمای بدون سرنشین بخش قابل توجهی از تلاش‌ها علیه این گروه را تشکیل می‌داد، در حالی که بعد از سال ۲۰۱۵ بیشتر این عملیات شامل درگیری مسلحانه بین پولیس و شبه‌نظامیان تحریک طالبان پاکستان بود. به‌عنوان مثال در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ حدود ۴۰ درصد از کل عملیات امنیتی علیه تحریک طالبان پاکستان شامل حمله توسط پرسنل پولیس بود. بنابراین تصمیم این گروه در مورد هدف قرار دادن بیشتر پولیس می‌تواند تلاقی این حملات باشد.

سرنشین ایالات متحده و عملیات نظامی پاکستان در شمال غربی فرار کند و از مناطق شهری برای تجدید قوای سازمان، استخدام و ایجاد پیوندهای سودآور با باندهای جنایتکار استفاده کند. کراچی شاهد برخی از بی‌شرمانه‌ترین حملات تحریک طالبان پاکستان بوده است، به‌عنوان مثال حمله سال ۲۰۱۱ به پایگاه دریایی مهران که در طی آن شبه‌نظامیان تحریک طالبان پاکستان ۱۵ ساعت با نیروهای امنیتی دولت پاکستان در نبرد بودند، باعث کشته شدن ۱۳ نفر و نابودی هواپیماهای مراقبت دریایی شد.

طبق داده‌های پایگاه جهانی تروریسم بیشتر حملات تحریک طالبان پاکستان در مناطقی در امتداد مرز با افغانستان رخ داده است. تحریک طالبان پاکستان همیشه ارتباط نزدیکی با افغانستان داشته است، اما در پی عملیات ضرب ازب، که بسیاری از اعضای و رهبران این گروه را وادار به عبور از مرز افغانستان کرد، این روابط هنوز قوی‌تر شده است. در سال‌های اخیر، پاکستان اغلب افغانستان را برای عبور تروریست‌ها از مرز افغانستان به پاکستان، حمله به پرسنل امنیتی پاکستان و سپس بازگشت به پناهگاه‌های امن شان در افغانستان ملامت کرده است.

در سال ۲۰۱۰، تحریک طالبان پاکستان با راه‌اندازی ۴۰۲ حمله، از نظر تعداد حملات در اوج فعالیت خود قرار داشت، اما پس از کاهش قابل توجه به ۲۰۲ حمله در سال بعد، در سال ۲۰۱۲ با ۳۹۲ حمله تقریباً با اوج قبلی خود مطابقت داشت. در دو سال بعدش کاهش در حملات مداوم و قابل توجه بود، اما این افت در سال ۲۰۱۵ که در طی آن تحریک طالبان پاکستان فقط ۹۶ حمله راه‌اندازی کرده بود، ناگهانی شد و ظرفیت عملیاتی آن به وضوح توسط عملیات ضرب ازب، که در ماه جون ۲۰۱۴ اعلام شده بود، آسیب دید. تحریک طالبان پاکستان در سال ۲۰۱۶ به‌عنوان یک نیروی عملیاتی عمیقاً تضعیف شده به حساب می‌رفت و در سال ۲۰۱۸، هنگامی که فقط ۲۱ حمله انجام داد، به کمترین حد خود رسید. همان‌طور که بعداً بحث خواهد شد، در دو سال گذشته حملات تحریک طالبان پاکستان افزایش ملایم اما در عین حال نگران‌کننده‌ای داشته است.

### فاطمه فرامرزی

### اهداف تحریک طالبان پاکستان و خط سیر خشونت

اطلاعات مربوط به فعالیت عملیاتی تحریک طالبان پاکستان قبل از سال ۲۰۱۰ محدود است، اما براساس داده‌های پایگاه جهانی تروریسم، این گروه بین سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ در ۲۶۹ حمله دست داشته است که بیشتر این حملات در مناطق قبایلی تحت اداره فدرال و خیبر پشتونخواه صورت گرفته است. از سال ۲۰۱۰ به بعد، داده‌ها از پروژه محل درگیری مسلحانه و رویدادها موجود است که سوابق جامعی از انواع رویدادهای خشونت‌آمیز مربوط به تحریک طالبان پاکستان را گردآوری کرده است.

این داده‌ها الگوهای جغرافیایی و زمانی مشخصی در سطح ایالت‌ها بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ را نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق حملات مرتبط با تحریک طالبان پاکستان، در مناطق قبایلی تحت اداره فدرال و خیبر پشتونخواه رخ داده است - که به ترتیب ۸۰۰ (۴۵ درصد) و ۷۲۷ (۴۱ درصد) از مجموع ۱۷۸۰ مورد است - اما تعداد قابل توجهی از حملات همچنین در بلوچستان و سند (به ترتیب ۹۸ و ۱۰۸) است که با پراکندگی شبه‌نظامیان تحریک طالبان در پاکستان و گسترش روابط شان با شبه‌نظامیان پنجابی ثبت شده است. در پی این حملات مناطق قبایلی تحت اداره فدرال و خیبر پشتونخواه نیز بالاترین میزان کشته‌ها - به ترتیب ۱۸۸۵۱ تن (۳۸ درصد) و ۲۲۴۲ تن (۴۶ درصد) - از مجموع ۴۸۸۰ کشته شده توسط تحریک طالبان پاکستان در این سال‌ها بوده است. پیشاور، مرکز ایالت خیبر پشتونخواه، بالاترین سطح حملات تحریک طالبان پاکستان، از جمله بیشترین تعداد حملات انتحاری مرتبط با این گروه را در مقایسه با سایر مناطق تجربه کرده است.

دسترسی بیشتر تحریک طالبان پاکستان در خارج از منطق قبایلی تحت اداره فدرال و خیبر پشتونخواه در بیرون از مناطق شهری مانند کوئته، کراچی و لاهور متمرکز شده بود. فعالیت در شهرهای پرجمعیت به تحریک طالبان پاکستان این امکان را داد تا از حملات هواییمای بدون

### گاردین، نریس مک‌وی برگردان: شریفه عرفانی

در گزارشی نادر از داخل منطقه‌ی به‌شدت در انزوای «تیگرای»، جایی که ارتباط آن با جهان خارج به عمد قطع شده، یک راهبه اتیوپیایی از وحشت گسترده‌ای سخن می‌گوید که او و همکارانش به‌طور روزمره در شش ماه اخیر، پس از جنگی وحشیانه در این منطقه، شاهد بوده‌اند.

به گفته‌ی شاهدان عینی، هزاران زن و دختر قربانی تاکتیک عمدی استفاده از تجاوز به‌عنوان سلاح در جنگ داخلی که در اتیوپی آغاز شده، شده‌اند.

این زن که به دلایل امنیتی نامی از او برده نمی‌شود، می‌گوید: «قربانیان تجاوز جنسی از کودکان ۸ ساله تا زنان ۷۲ ساله را شامل می‌شوند. بسیاری از افراد مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. همه این‌ها خیلی سریع اتفاق افتاده. فجایع بسیار گسترده است. هزاران نفر در همه جا. این تجاوز در ملا عام، در مقابل خانواده، شوهرها، در برابر همه رخ می‌دهد. پاهای و دست‌شان بریده شده، همه به یک شکل.»

منطقه شمالی اتیوپی، محل زندگی ۵ میلیون و ۶۰۰ نفر، از زمانی درگیر جنگ داخلی شد که نخست‌وزیر این کشور، آبی احمد، برنده جایزه صلح نوبل، ارتش را برای برکناری دولت قدرتمند منطقه‌ای در ۴ نوامبر به این منطقه اعزام کرد. نیروهای اریتره، متحد دولت احمد، در نبرد علیه جبهه آزادی‌بخش مردم تیگرای به این

نیروها پیوستند. درگیری منجر به آوارگی داخلی هزاران نفر و همچنین فرار بیش از ۶۳ هزار نفر به مناطق هم‌مرز در شرق سودان شده است.

• بدن‌ها بر جا می‌مانند تا خوراک کفتارها شوند. دختران هشت ساله مورد تجاوز قرار می‌گیرند

او گفت: «برای ما، بسیار تکان‌دهنده است. همه چیز خیلی ناگهانی بود. ما زندگی عادی خود را داشتیم، اوضاع در حال بهبود بود، مراکز صحتی، زندگی و برنامه‌های آموزشی. پس از آن، مثل این‌که در یک روز، یک جنگ تمام عیار همه جا را در خود فرو برد. برای سه ماه گذشته ما در تلاشیم ۲۵ هزار آواره را تغذیه کنیم ... بعضی از آن‌ها ۱۲۰ کیلومتر با «مکله» فاصله دارند. [تجاوز جنسی اتفاق می‌افتد] هر جا که نیروهای اریتره یا اتیوپی حضور داشته باشند، غم‌انگیز است. تمام زنان، و نه فقط یک بار؛ این تجاوزها تجمعی است؛ من از آنچه شاهد آن بوده‌ام اطمینان دارم. حدود ۷۰ هزار غیرنظامی مورد حمله قرار گرفته‌اند. این همه غارت، جنگ، تجاوز بی رحمی، قتل، آزار و اذیت همه غیرنظامیان را هدف قرار داده‌اند.»

«این منطقه مسدود شده است. مردم از حمایتی که مستحق آن هستند، محروم مانده‌اند. ما در انزوا و تنهایی مانده‌ایم و فراموش شده‌ایم. جوانان بسیار ترسیده‌اند.»

گزارش اخیر بنیاد جهانی صلح هشدار داد

## شاهدان عینی می‌گویند که در اتیوپی تجاوز به‌عنوان سلاح جنگی استفاده می‌شود



نرسیدن کمک‌ها به دست مردم را تأیید کرد، گفت که «محاصره منطقه توسط نیروهای نظامی» مانع رسیدن کمک‌های بشردوستانه به مناطقی که مردم بیشترین نیاز را دارند، شده و وضعیت «سیال و غیرقابل پیش‌بینی» است. وی افزود: «از سوم ماه می، از ۳ میلیون

مانع دسترسی کمک‌های بشردوستانه به مناطقی از تیگرای می‌شوند و گزارش‌هایی مبنی بر همکاری نیروهای نظامی از اریتره با اتیوپیایی‌ها برای قطع مسیرهای مهم کمک‌رسانی نیز رسیده است. سخن‌گوی دبیر کل، استفان دوژاریک، روز چهارشنبه در اولین بیانیه سازمان ملل که

که این درگیری منطقه را بیش از پیش به ناامنی شدید غذایی سوق داده و محاصره نظامی، تعدد مردم را از دسترسی به مواد غذایی محروم کرده و باعث گرسنگی گسترده شده است. حداقل ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر به کمک غذایی نیاز دارند. سازمان ملل تأیید کرده که نیروهای نظامی



تحلیل



## شیطان شوخی ندارد

■ سخیداد هائف

به نظر شما، نواختن دنبوره باید در جامعه‌ی ما مجاز باشد یا ممنوع؟ دنبوره را به‌عنوان نماینده‌ی سازها انتخاب کردم. می‌توان این سوال را به ابزارهای دیگر موسیقی نیز تعمیم داد. هارمونیه چطور؟ ریاب چطور؟ این سوال ساده است و پاسخ آن نیز ساده است. شما اگر یک روحانی یا فرد معمولی متدین و سنتی باشید، این احتمال بیشتر است که به ممنوعیت دنبوره رای بدهید. اگر یک جوان امروزی غیرسنتی باشید، احتمال این‌که به جواز آن رای بدهید بیشتر است.

حال، اگر از افراد بپرسید که چرا به جواز یا ممنوعیت دنبوره رای می‌دهند، باز پاسخ‌ها معمولاً ساده و سراسر استند. مخالف دنبوره در این ابزار موسیقی امکان فساد اخلاقی می‌بیند یا حداقل چنین ادعایی را در میان می‌آورد. آن‌که موافق دنبوره است، دنبوره را وسیله‌ی دست‌یافتن به یک لذت ساده و مشروع از طریق هنر می‌شناسد.

اما این دو موضع -که ظاهر روشن و بسیطی دارند- یک لایه‌ی زیرین هم دارند که فوراً به چشم نمی‌آید. این نوشته در باره‌ی آن لایه است. سوالی که می‌تواند ما را به دیدن آن لایه نزدیک کند، این است:

چرا دنبوره داریم؟ دنبوره هست که ما مخالف و موافقش هستیم. چرا در کنار بیل و کلنگ و قاشق و کاسه و یوغ و تیشه و داس و دلو آب و شانه و آیینه و ریسمان دنبوره هم داریم؟ بیل را می‌توان راحت توضیح داد. علت به وجود آمدن داس را به سادگی می‌توان فهمید. این‌که چرا ریسمان ساخته شده، به آسانی قابل توضیح است. اما دنبوره چرا؟ آدم‌ها با ساختن دنبوره به چه نیازی پاسخ می‌گفتند؟ یا به بیانی دیگر، چه نیازی آدم‌ها را وادار کرد که ابزاری به‌نام دنبوره بسازند؟ برای پاسخ دادن به این سوال هیچ چاره‌ای نداریم جز این‌که بپذیریم آدمی نیازهای گوناگون دارد و بخشی از این نیازها با ساختن بیل و داس و ریسمان و تیشه و قاشق برآورده می‌شوند و بخشی دیگر با این گونه ابزارها برآورده نمی‌شود. تقسیم نیازها به مادی و معنوی تقسیم خوبی نیست و پی‌آمدهای گمراه‌کننده‌ی بسیاری دارد. اما عجالتاً می‌توان از این تقسیم استفاده کرد و نیاز به دنبوره را در شمار نیازهای معنوی انسان قرار داد. اگر کسی بگوید «دنبوره مرا آرام می‌کند/ به هیجان می‌آورد/ خاطرات شیرین گذشته را در من تازه می‌کند...»، برای چنان کسی آرام شدن و به هیجان آمدن و تازه کردن خاطرات شیرین گذشته «نیاز» است. این نیاز (به تفکیک از نیاز به بیل و داس) یک نیاز معنوی هم هست.

اکنون، آنانی که مخالف دنبوره هستند می‌گویند: «ما نیاز معنوی انسان را انکار نمی‌کنیم. نه فقط انکار نمی‌کنیم که باور داریم نیازهای معنوی انسان همان نیازهای برتر اویند و بیشتر توجه می‌طلبند.»

سخن این گروه اما این است که ما می‌توانیم به نیازهای معنوی واقعی بشر پاسخ‌های درست بدهیم. یعنی مثلاً نیاز به آرامش روحی یک نیاز واقعی است، اما گوش دادن به دنبوره یا نواختن آن پاسخ درستی به این نیاز نیست. یکی از پاسخ‌های درست (از نظر مخالفان دنبوره) در قرآن آمده: الا بذکرالله تطمئن القلوب. با یاد خداست که دل‌ها آرام می‌گیرند. چرا یاد خدا نمی‌کنی که آرام شوی؟

در ادبیات دینی، یعنی پایگاه اصلی مخالفت با دنبوره و موسیقی در کل، آن کسی که ما را از یاد خدا غافل می‌کند شیطان است. شیطان با هزار حیلت ما را به راه‌های غلط می‌کشاند. آیا دنبوره هم اختراع شیطان است؟ بلی. شیطان ترفندهای بسیار دارد و یکی از آن ترفندها برای فریب دادن ما همین آرامش کاذب و هیجان کاذب و احساس مثبت کاذبی است که از شنیدن آوای دنبوره به ما دست می‌دهد. آرامش عمیق راستین در ذکر خداست.

به افغانستان می‌شود. پیامد ناخواسته دیگر فشار نیروهای امنیتی این بود که تحریک طالبان پاکستان یک کارزار شدید از حملات انتحاری را در مراکز شهری پاکستان آغاز کرد.

با این حال، حتی زمانی‌که تحریک طالبان پاکستان سعی داشت به فشارهای فزاینده علیه نیروهای خود پاسخ دهد، سر بردن از رهبری و مرگ‌های جنگی انسجام آن را کاهش می‌دهد. پس از مرگ بیت الله محسود در حمله هواپیمای بدون سرنشین در اکتبر ۲۰۰۹، جانشین وی، حکیم الله محسود بسیاری از پرسنل خود را به کراچی و سایر مناطق شهری در پاکستان منتقل کرد. بعد از مرگ حکیم الله در اواخر سال ۲۰۱۳ در حمله هواپیمای بدون سرنشین آمریکا در وزیرستان شمالی، بیشتر درگیری‌های قدرت صورت گرفت. اختلافات جانشینی داخلی سرانجام منجر به تقسیم تحریک طالبان پاکستان به سه گروه اصلی شد: گروه شهریار محسود، گروه خالد ساجنا و گروه اسمت معاویه.

تحقیقات در مورد تأثیرات قطع سر در زندگی یک گروه جنگ‌جو بی‌نتیجه است اما در مورد تحریک طالبان پاکستان به نظر می‌رسد که مرگ پی در پی رهبران، تمرکززدایی از یک سازمان کاملاً گره خورده و درگیری داخلی را تشدید کرده است رقابت‌های داخلی و فشارهای خارجی نیز منجر به کاهش قابل توجهی در تعداد جنگ‌جویان تحریک طالبان پاکستان در طول زمان شده است. در اواسط سال ۲۰۰۹ اعضای تحریک طالبان پاکستان بین ۱۶ تا ۲۰ هزار تخمین زده می‌شد، که این تعداد در سال ۲۰۱۲ به ۲۰ و ۲۵ هزار عضو افزایش یافت. با این حال، وزارت دفاع ایالات متحده تخمین می‌زند تا اواخر سال ۲۰۱۹ تعداد جنگ‌جویان تحریک طالبان پاکستان در افغانستان فقط سه تا پنج هزار نفر بوده است و گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۲۰ این رقم را کمی بیشتر، یعنی حدود شش هزار نفر اعلام کرد. با این حال، پراکندگی تحریک طالبان پاکستان در خارج از مناطق قبایلی تحت اداره فدرال و خیبر پشتونخواه به این معناست که قدرت فعلی سلول‌های تحریک طالبان پاکستان خفته در مراکز شهری، ناشناخته مانده است.

ادامه دارد...

### ترجمه

در بسیاری از درگیری‌ها در سراسر جهان رخ می‌دهد و جنگ داخلی در شمال اتیوپی نیز نمونه دیگری از آن است. بیش از ۵۰۰ زن به‌طور رسمی خشونت جنسی را گزارش کرده‌اند. اما انتظار می‌رود تلفات بسیار بیشتر باشد. خشونت و تجاوز جنسی باید توسط رهبران در سراسر جهان محکوم شود و به آن توجه کنند. این جنایات باید پایان یابد و سرپازان و همچنین فرماندهان آن‌ها که در این اقدامات دخیل هستند باید محکوم شوند.»

مگنوس مک فارلین بارو، رییس موسسه خیریه ماریز میلز در انگلیس، که درخواست کمک اضطراری را برای تیگری راه اندازی کرده، گفت: «وخامت وضعیت حقوق بشر در تیگری وحشتناک است. رنج شدیدی که مردم آن‌جا می‌کشند و آینده‌ی تاریکی که در انتظارشان است، به حدی وخیم است که به هیچ اغراقی نیاز نیست. شاید پاندمی در حال حاضر توجه جهانیان را به خود جلب کرده باشد، اما مطمئناً ما نمی‌توانیم به این فاجعه عظیم انسانی پشت کنیم.»

این راهبه به گاردین گفت: «همه در جهان باید قتل غیرنظامیان را محکوم کنند. افرادی که مجبور به ترک خانه‌های خود شده و قربانی خشونت جنسی می‌شوند ... بسیاری از زنان و دختران مورد تجاوز قرار گرفتند. من می‌خواهم به جهانیان بگویم: آن‌ها نباید حتی یک ثانیه دیگر صبر کنند. همه در جهان باید دست به کار شوند، باید این [فاجعه] را محکوم کنند.»

۲۰۰۹ ارتش پاکستان در حالی که با نذیر و بهادر مذاکره می‌کرد، عملیات زمینی در وزیرستان جنوبی را بر برداشتن دژهای تحریک طالبان پاکستان متمرکز کرد. در حالی که این عملیات احتمالاً باعث کاهش حملات تحریک طالبان پاکستان در سال ۲۰۱۱ شد، آنها همچنین بسیاری از مردم را از خانه‌های شان آواره کرده و این امر باعث ایجاد کینه‌ای شده است که تصور می‌شود تحریک طالبان پاکستان از آن برای اهداف استخدام استفاده کرده است.

در همین حال، مبارزه ضد تروریستی ایالات متحده علیه عوامل تحریک طالبان پاکستان و القاعده عمدتاً در وزیرستان شمالی، منجر به تضعیف رهبری و انسجام داخلی تحریک طالبان پاکستان شد. پس از سال ۲۰۰۸ ایالات متحده ظرفیت نظارت و تجزیه و تحلیل هوایی خود را از طریق هواپیماهای بدون سرنشین شکارچی و دروگر افزایش داده و از طریق یک پیمان مذاکره مجدد بین اژانس اطلاعات مرکزی و آی‌اس‌آی پاکستان، همکاری با پاکستان را افزایش داد. این همکاری همراه با اجازه از دولت پاکستان و سی‌آی‌ای برای حمله با هواپیماهای بدون سرنشین علیه رهبران القاعده و دیگر مظنونان در مناطق قبایلی تحت اداره فدرال آغازگر انحطاط تحریک طالبان پاکستان بود. این عملیات با عملیات ضرب ازب تسریع شد که از اواسط سال ۲۰۱۴ تا اوایل سال ۲۰۱۷ آغاز و ادامه داشت و شاهد آن بود که ارتش پاکستان شبه‌نظامیان تحریک طالبان پاکستان را در وزیرستان شمالی و همچنین گروه‌های دیگر مانند جنبش اسلامی ازبکستان و القاعده هدف قرار می‌دهد.

تحقیقات نشان می‌دهد در شرایطی که گروه‌های شبه‌نظامی قادر به حفظ شبکه‌های مالی هستند و دولت قادر به اجرای مناسب قانون نیست، عملیات نظامی ممکن است منجر به حذف شبه‌نظامیان نه بلکه منجر به پراکندگی آن‌ها در مناطق کم خطر در همان کشور یا کشورهای همسایه شود. این امر به نظر می‌رسد در مورد تحریک طالبان پاکستان رخ داده است. اگرچه هدف قرار دادن شدید اعضای تحریک طالبان پاکستان و رهبران قدرت این گروه را تضعیف می‌کند، اما عملیات پاکستان و ایالات متحده همچنین منجر به پراکندگی اعضای آن به سایر مناطق قبایلی و آن سوی مرز

نفری که برای دریافت سرپناه اضطراری و اقلام غیر غذایی در نظر گرفته شده بودند، فقط ۳۴۷ هزار نفر، یعنی حدود ۱۲ درصد، به کمک‌ها دسترسی پیدا کرده‌اند. با شروع فصل بارندگی، همکاران ما در بخش فعالیت‌های بشردوستانه هشدار می‌دهند که بسیار مهم است که آژانس‌های امدادی بتوانند حداقل پناهگاه مناسبی برای آوارگان فراهم کنند.»

لائیسیا بدر، دبیر دیده‌بان حقوق بشر در شاخ افریقا، گفت که قطع ارتباطات در سراسر منطقه مانع تلاش‌ها برای مستند کردن آن‌چه در «تیگری» اتفاق می‌افتد، شده است. او می‌گوید: «از آغاز این درگیری، طرفین درگیر تلاش کرده‌اند تا مستندسازی نقض حقوق بشر و تلاش‌های بشردوستانه در زمان واقعی بسیار دشوار شود. در سه هفته گذشته، با قطع اینترنت، عملاً غیرممکن شده است.»

ایولین رگنر، رییس کمیته حقوق زنان در پارلمان اروپا، این هفته با عنوان کردن این مطلب که گویی از نسل کشی رواندا و جنایات جنگی در بوسنی و هرزگوین هنوز درسی آموخته نشده، خواستار بازخواست مجرمان در خصوص خشونت جنسی گسترده‌ای شده که به‌عنوان سلاح جنگی در تیگری استفاده شده است.

وی افزود: «خشونت جنسی علیه زنان و دختران قرن‌ها به‌عنوان سلاح جنگی مورد استفاده قرار گرفته است. متأسفانه هنوز

چقدر امید هست که بشر به موسیقی و ابزارهای گوناگون آن (از جمله دنبوره) پشت کند و حداقل در این مورد به شیطان «نه» بگوید؟ اگر واقع‌بین باشیم، می‌دانیم که در این مورد امید چندانی نمی‌توان داشت. این یعنی این‌که شیطان با ما شوخی ندارد. خیلی جدی کار می‌کند و تا حالا توفیق خیره‌کننده‌ای در کشاندن بشر به طریق خود داشته است.

می‌توان این سخن مخالفان دنبوره و موسیقی را قبول کرد. اما قبول کردن این سخن فایده‌ی زیادی ندارد. به این معنا که ما هنوز با این سوال روبه‌رویم که چرا این قدر دنبوره و ساز داریم. به عبارتی دیگر، چرا این همه آدم در جهان با این ابزارهای شیطانی مانوس‌اند و با این جمعیت گمراه میلیاردی چه باید کرد؟ واقعا چشم‌انداز ترک موسیقی در جهان چگونه است؟ چقدر امید هست که بشر به موسیقی و ابزارهای گوناگون آن (از جمله دنبوره) پشت کند و حداقل در این مورد به شیطان «نه» بگوید؟ اگر واقع‌بین باشیم، می‌دانیم که در این مورد امید چندانی نمی‌توان داشت. این یعنی این‌که شیطان با ما شوخی ندارد. خیلی جدی کار می‌کند و تا حالا توفیق خیره‌کننده‌ای در کشاندن بشر به طریق خود داشته است.

بیان دیگر این قضیه این است: وقتی که دنبوره را ممنوع می‌کنیم (یعنی وقتی با موسیقی از در ستیز می‌آییم)، در حقیقت با شیطان وارد جنگ می‌شویم. با حریفی وارد جنگ می‌شویم که تا حالا به گواهی تاریخ پیروز قطعی نبوده‌ها در این زمینه بوده است. گواهی تاریخ که می‌گویم یعنی این‌که ببینید مردم جهان قبل از ظهور یک صد و بیست و چهار هزار پیامبر بیشتر موسیقی می‌شنیدند یا حالا بیشتر می‌شنوند.

آن لایه‌ی زیرین مخالفت و موافقت با موسیقی که در آغاز این نوشته گفتم، در اینجا است: بشر برای میلیون‌ها سال با دو پیشنهاد روبه‌رو بوده. یکی این‌که برای برآورده کردن نیازهای معنوی خود به «ذکر خداوند» پناه ببرد و دیگری این‌که برای برآورده کردن همین نیازها به «هنر» رو بیاورد. آنچه مسلم است این است که در جوامع پیشرفته و متمدن گرایش به هنر غلیظ‌تر و گسترده‌تر است و در جوامعی که هنوز با داس درو می‌کنند و با گاو قلبه، این گرایش ضعیف‌تر و محدودتر است. یعنی میان تمدن و هنر نسبتی برقرار است و میان بی‌تمدنی و بی‌هنری نیز نسبتی. این نسبت‌ها تصادفی نیستند. این طور نیست که بگوییم ما هنر (ترفند شیطان) را نمی‌خواهیم اما تمدن را می‌خواهیم. اگر ذکر خداوند بناست که ما را از هنر -و از جمله موسیقی- بی‌نیاز کند، ما را از چیزهای دیگری که همبسته و همزاد هنر هستند و تمدن‌های پیشرفته‌ی بشری را ساخته‌اند نیز فارغ خواهد کرد. شیطان تمدن را بدون هنر نمی‌فروشد.

مولانا جلال الدین بلخی می‌گفت:

آدمی اول حریص نان بود

زانک قوت و نان ستون جان بود

چون به نادر گشت مستغنی ز نان

عاشق نام است و مدح شاعران

وقتی که مردمان یک کشور به دنبوره گوش می‌دهند یا برای موسیقی و هنر جای وسیعی در زندگی خود باز می‌کنند، این خود علامتی است از این‌که از «حرص نان» فراتر رفته‌اند و حالا می‌توانند تا حدی به نیازهای دیگر خود نیز برسند. مخالفت با موسیقی مخالفت با این گذار است. مخالفت با هنر مخالفت با پیشرفت و رهایی از گرسنگی است. شاید به همین علت هم بوده که جنگ با شیطان در این زمینه حاصل چندانی برای جبهه‌ی پارسایان عصر داس نداشته است.



## بحران سیاسی در اسرائیل؛ تجمع حامیان نتانیاها، افزایش تهدیدها علیه نفتالی بنت



در هر حال، پس از این رویداد، شبکه‌های عمده اجتماعی شامل توئیتر، اینستاگرام و فیسبوک، صفحات پسر بنیامین نتانیاها را موقتاً از دسترس او خارج کردند. نظر به افزایش تهدیدها از ناحیه راستگرایان علیه نفتالی بنت، که قرار است دو سال نخست در دولت احتمالی جدید نخست وزیر باشد، شباک، سازمان امنیت داخلی اسرائیل، تدابیر شدید امنیتی برای حفظ جان او و خانواده‌اش را به سطح تدابیر امنیتی برای یک نخست وزیر در قدرت ارتقا داده است. حضور گسترده نیروهای آموزش دیده شباک در «یگان حفظ جان شخصیت‌ها و مقامات» در کنار خانه نفتالی

سیاسی حزب لیکود محسوب خواهد شد. بنیامین نتانیاها در همین حال بار دیگر از نمایندگان احزاب راستگرایی که با یائیر لاپید و نفتالی بنت متحد شده‌اند، خواسته است تا در روز رای اعتماد به دولتی که بر اساس ائتلاف این رقیبان تشکیل خواهد شد، رای منفی بدهند.

او ائتلاف تشکیل شده برای خلعت او از قدرت را «خیانت» به اسرائیل و آرمان‌های آن نامیده و تاکید کرده که روی کار آمدن چنین دولتی، «تنها ایران و حماس را خشنود می‌کند».

آقای نتانیاها همچنین از احزاب مذهبی که در ائتلاف تشکیل شده هیچ نقشی ندارند، خواسته است فعالان و حامیان خود را به کار گرفته و مانع از عملی شدن آغاز به کار دولت جدید شوند.

صدها تن از حامیان بنیامین نتانیاها روزهای جمعه و شنبه در برابر خانه شماری از سیاستمداران راست‌گرایی که به ائتلاف جدید جمع کرده و خواستار همکاری آنها برای جلوگیری از تشکیل دولت جدید شده‌اند.

بیشترین تظاهرات در برابر خانه آیلت شاکد، سیاستمدار شماره دو در حزب «یامینا» برگزار شده است. بتسالال اسموت‌ریچ، رهبر حزب «صهیونیست‌های دینی» که پیش‌تر متحد «یامینا» بوده، در صدر تظاهرکنندگان در برابر خانه خانم شاکد، او را به «خروج از ائتلاف شرم‌آور و خائنانه به ملت یهود و آرمان صهیونیسم» تشویق می‌کند.

یائیر نتانیاها، پسر بنیامین نتانیاها، نیز با انتشار آدرس خانه نیر اورباخ، یکی از نمایندگان حزب «یامینا»، ظاهراً حامیان پدرش را به تظاهرات با هدف فشار بر این نماینده تشویق کرده بود.

حزب «یامینا» تأیید کرده که آقای اورباخ در حمایت از ائتلاف جدید مردود بوده اما پس از دیدار روز جمعه با نفتالی بنت، گفته است که در کار تشکیل دولت جدید اخلال نخواهد کرد.

اطلاعات روز: سه روز پس از «موافقت قطعی» رهبران هشت حزب در اسرائیل برای تشکیل ائتلافی که پایه یک دولت جدید شود، رییس مجلس اسرائیل از دو رهبر اصلی این ائتلاف خواست که سند توافق و جزئیات آن را رسماً به کنست ارائه کنند.

به گزارش جروزالم پست، یاریو لوین، رییس کنست (مجلس اسرائیل)، از یائیر لاپید رهبر حزب «یش آتید» و نفتالی بنت، رهبر حزب «یامینا»، خواسته است که روز دوشنبه، ۱۷ جوزا، سند این ائتلاف را به مجلس ارائه کنند.

به نقل از رادیو فردا، شماری از سیاستمداران حامی ائتلاف جدید در روزهای گذشته ابراز نگرانی کرده بودند که رییس مجلس به دلیل وابستگی به حزب لیکود به رهبری بنیامین نتانیاها، در روند معرفی و رای اعتماد به دولت جدید «سنگ‌اندازی» کند.

پیش از این رتوون ریولین، رییس‌جمهوری کنونی که خود ماه آینده دوران ۷ ساله‌اش به پایان می‌رسد و یائیر لاپید، رهبر ائتلاف جدید، از رییس مجلس خواسته بودند به دور از وابستگی حزبی، «وظیفه قانونی خود را سریعاً انجام دهد».

در همین حال، رییس کنست هنوز تاریخ مشخصی برای برگزاری نشست رای اعتماد به دولت جدید تعیین نکرده است.

از سوی دیگر، نامه‌ای با امضای ۶۰ نماینده از میان ۱۲۰ نماینده مجلس به هیات رییس مجلس ارائه شده که تاکید دارد رییس این دوره مجلس باید تغییر کند و فردی از حامیان ائتلاف به این مقام برسد.

پس از انتخابات پارلمانی دو ماه و نیم پیش در اسرائیل، یاریو لوین که از سوی حزب لیکود در دوره گذشته به ریاست کنست رسیده بود، در این مقام ابقا شده بود.

در صورت آغاز به کار دولت جدید که به مفهوم راندن بنیامین نتانیاها و حزب لیکود به جناح اپوزیسیون است، از دست رفتن ریاست مجلس نیز ضربه دیگری به حضور

## قدرت‌های غربی «قصد ندارند علیه ایران در آژانس قطعنامه صادر کنند»

را ۶۲.۸ کیلوگرم و اورانیوم غنی شده ۶۰ درصد را ۲.۴ کیلوگرم برآورد کرده است.

در حال حاضر ایران و آمریکا به طور غیرمستقیم و با مشارکت گروه ۴+۱ متشکل از بریتانیا، فرانسه، روسیه، چین و آلمان سرگرم مذاکره برای احیای توافق هسته‌ای برجام هستند.

این مذاکرات اواخر ماه حمل سال جاری آغاز و تاکنون پنج دور از آن برگزار شده است. ایران و اتحادیه اروپا می‌گویند دور ششم این مذاکرات این هفته آغاز خواهد شد و احتمال دارد با کم‌شدن اختلافات دور آخر باشد و توافق نهایی در همین مذاکرات حاصل شود.

عباس عراقچی مذاکره‌کننده ارشد اتمی ایران گفته است اختلافات باقی‌مانده قابل حل است. ایالات متحده این اظهارات را تأیید نکرده و وزارت خارجه این کشور گفته است که احتمال دارد به مذاکرات بیشتری نیاز باشد.

پس از اجرایی شدن این توافق آژانس از وجود ذرات اورانیوم در سه محل مختلف خبر داد.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس اخیراً از ایران خواسته که پاسخ قانع‌کننده‌ای در این باره ارائه کند و گفته است که بلا تکلیف ماندن این پرونده برای اعتبار ایران به عنوان یکی از اعضای آژانس مناسب نیست.

علی اکبر صالحی رییس سازمان انرژی اتمی ایران در واکنش به این اظهارات گفته بود «ایران تاکنون بیشترین تلاشش را برای همکاری واقعی با آژانس انجام داده و شفاف‌سازی‌ها و پاسخ‌های لازم را ارائه کرده و برای همکاری بیشتر آمادگی دارد».

به غیر از یافته شدن آثار اورانیوم اعلام نشده در ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش خود میزان تقریبی ذخایر اورانیوم غنی شده ایران را ۳۲۴۱ کیلوگرم اعلام کرده که تقریباً ۱۶ برابر میزان مجاز در توافق هسته‌ای برجام است.

این گزارش میزان اورانیوم غنی شده تا حد ۲۰ درصد

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از هفدهم جوزا نشست فصلی دارد و قرار است موضوع ایران هم در دستور کار آن باشد. به دلیل شیوع ویروس کرونا این نشست هم با ترتیبات مراقبتی و بهداشتی از جمله تماس‌های ویدئویی برگزار خواهد شد.

آژانس بیشتر از یک سال است که در گزارش‌های خود خواستار پاسخگویی ایران درباره منشأ ذرات کشف شده اورانیوم در سه مرکز مختلف شده است.

منابع غربی می‌گویند که دو مرکز یکی اطراف تهران و دیگری اصفهان است که بیشتر از یک دهه پیش احتمالاً با هدف از بین بردن آثار کار با مواد رادیواکتیو تخریب شده‌اند.

گفته می‌شود یکی از مراکز تورقوزآباد است که پیش از این بنیامین نتانیاها نخست‌وزیر اسرائیل از وجود آن خبر داده بود.

ایران و آژانس سال گذشته درباره دسترسی به بازرسان آژانس برای نمونه برداری از مراکز توافق کرده بودند.

اطلاعات روز: با وجود انتقاد دوباره رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از این موضوع که ایران درباره منشأ ذرات اورانیوم کشف‌شده پاسخ قانع‌کننده‌ای نداد، گزارش‌ها حاکی از آن است که قدرت‌های غربی شامل آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان قصد ندارند در جریان اجلاس شورای حکام آژانس قطعنامه‌ای علیه ایران صادر کنند.

خبرگزاری رویترز از قول دیپلمات‌های اروپایی می‌گوید هدف از صادر نکردن قطعنامه، جلوگیری از به خطر انداختن مذاکرات اتمی احیای توافق برجام است.

قدرت‌های غربی در نشست پیشین شورای حکام هم از صدور قطعنامه علیه ایران خودداری کرده بودند. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، مذاکرات احیای برجام با هدف رفع تحریم‌های آمریکا علیه ایران و بازگرداندن ایران به محدودیت‌های اتمی در جریان است و طرف‌ها از میزان پیشرفت در آن ابراز رضایت می‌کنند.

## آغاز دادگاهی در لندن درباره اتهام نقض گسترده حقوق اوئیغورها در چین

خارجه آمریکا، تعداد مسلمانان بازداشت شده و تحت فشار را تا دو میلیون نفر برآورد کرده‌اند.

فعالان اقلیت اوئیغور می‌گویند دولت چین از اردوگاه‌های بازآموزی برای شستشوی مغزی مردم و نابود کردن فرهنگ ویژه قوم و هویت اسلامی آنها استفاده می‌کند.

علاوه بر این، نتایج یک تحقیق که تیرماه سال گذشته منتشر شد، نشان می‌دهد نهادهای دولت چین با هدف کنترل رشد جمعیت اوئیغور ساکن ایالت غربی سین‌کیانگ زن‌های این اقلیت را به شکل اجباری عقیم می‌کنند.

گزارش‌هایی درباره «تجاوز سیستماتیک» به زنان مسلمان این منطقه نیز منتشر شده است که مانند همه گزارش‌ها از سوی دولت چین تکذیب شده است.

علیرغم اینکه نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر در سال‌های اخیر گزارش‌های مستندی در مورد کار اجباری، شکنجه، کنترل شدید و سرکوب مسلمانان اوئیغور منتشر کرده‌اند، حکومت ایران تاکنون نه تنها از اقدامات دولت چین انتقاد نکرده، بلکه بارها از وضعیت حقوق مسلمانان در این منطقه ابراز رضایت و حمایت کرده است.

علی مطهری، نماینده پیشین مجلس، مرداد سال گذشته به نقل از یکی از مقام‌های وزارت خارجه ایران گفت ایران «به دلیل نیاز اقتصادی مجبور به سکوت» است.

اسلوبودان میلوشوویچ، رییس‌جمهور سابق صربستان بود، ریاست این دادگاه مردمی را بر عهده دارد.

اولین شاهد عینی که در دادگاه حضور یافته، یک خانم ازبک با نام «قلب‌نور سیدیک» بوده که در شهر اورومچی، مرکز استان سین‌کیانگ بعنوان معلم خدمت کرده است. دولت چین از این خانم خواسته بود به همراه دو همکارش در اردوگاه‌های نگهداری اوئیغورها زبان رسمی چینی تدریس کند.

خانم سیدیک گفته است نگهبانان کمپ برای اوئیغورها حرمت انسانی قائل نبوده و با آنها مانند «سگ» رفتار می‌کردند.

بگفته این شاهد عینی، تحقیر و رنج اوئیغورها مایه سرگرمی و لذت نگهبانان کمپ‌ها بود.

وی همچنین گفته است زنان بازداشتی در کمپین‌ها نه تنها مورد آزار و شکنجه قرار می‌گیرند، بلکه به آنها تجاوز جنسی نیز می‌شود.

طبق برآوردهای سازمان ملل متحد، دست‌کم یک میلیون نفر از جامعه اقلیت اوئیغور و دیگر اقلیت‌های مسلمان در ایالت سین‌کیانگ بازداشت شده و در مراکز نگهداری می‌شوند.

برخی از گزارش‌های تحلیلی و همچنین برآورد وزارت



این دادگاه با حضور ۹ قاضی بریتانیایی، وکلا و کارشناسان حقوق بشر برگزار می‌شود و انتظار می‌رود رای دادگاه در دسامبر امسال اعلام شود.

خبرگزاری آناتولی نیز گزارش داده که جفری نایس، وکیل مدافع حقوق بشر که پیشگام تلاش‌ها برای محاکمه

اطلاعات روز: دادگاه رسیدگی به اتهامات نقض گسترده حقوق بشر اوئیغورها چین توسط دولت کمونیست این کشور روز جمعه ۱۴ جوزا با حضور شاهدان عینی در دادگاهی در لندن برگزار شد.

به گزارش واشینگتن پست، در این دادگاه اتهامات گسترده‌ای علیه دولت چین شامل شکنجه، تجاوز جنسی، بازداشت‌های خودسرانه و نگهداری بیش از یک میلیون اوئیغور ترک مسلمان در کمپ‌ها مطرح شده است.

به نقل از رادیو فردا، این دادگاه مورد حمایت دولت بریتانیا نیست و حکم صادره توسط آن نیز برای هیچ دولتی الزام‌آور نخواهد بود؛ اما طبق درخواست کنگره جهانی اوئیغور که از اقلیت‌های تبعیدی این قوم در خارج از چین تشکیل شده، این دادگاه برگزار شده است.

خبرگزاری آناتولی ترکیه گزارش داده است که ۳۰ شاهد عینی در این دادگاه حضور دارند و طیفی از اتهامات علیه دولت چین در رابطه با نقض گسترده حقوق اوئیغورها مطرح خواهد شد.

جلسات این دادگاه از روز شنبه تا روز دوشنبه هفته جاری ادامه خواهد داشت.

شبکه الجزیره گزارش داده است که جلسه بعدی احتمالاً در ماه سپتامبر برگزار خواهد شد.

## گفتوگو با حجت الاسلام دکتر محمود نقوی

عباس اسدیان

این روزها زمزمه‌های «چه باید کرد؟» در جامعه‌ی ما بلندتر شده‌اند و مصلحان و خیراندیشان با شتاب و شدت بیشتری به آینده‌ی مملکت می‌اندیشند و به اندیشه‌های خود صدا می‌دهند. یکی از آن مصلحان حجت الاسلام دکتر محمود نقوی است. درباره‌ی همین چه باید کردها با ایشان گفتوگو کردیم (اسم ایشان را جهت اختصار حدمن - یعنی حجت الاسلام دکتر محمود نقوی - می‌نویسیم):

ما: نقوی صاحب، اول از اسم‌تان شروع کنیم. شما را حجت الاسلام دکتر می‌گویند. حدمن: بلی. همین طور است. رتبه‌های علمی من هستند.

ما: در چه رشته‌ی دکتر هستید؟ حدمن: من طبیب هستم. به قول همسایه‌ی غربی پزشک هستم. دکتر داخله و اعصاب. دو تخصص دارم.

ما: و حجت الاسلام هم هستید. حدمن: درست است. من تا سرحد اجتهاد درس خوانده‌ام ولی مجتهد نیستم. به قول عوام درس ملای هم خوانده‌ام. ما: بسیار خوب. اخیرا با یکی از روزنامه‌ها مصاحبه کردید و مصاحبه‌ی‌تان جنجالی شد. حدمن: بلی. علتش این بود که من از بیان حقیقت پروایی ندارم. حقیقت را گفتم و غوغایی برپا شد.

ما: ماجرا از نظر خودتان چه بود؟ حدمن: آن روزنامه از من پرسید که چرا از هر صد نفری که من معاینه می‌کنم و دوا می‌مرا مصرف می‌کنند، نود و پنج نفرشان می‌میرند. من می‌توانستم به راحتی بگویم این شایعه است و حقیقت ندارد. اما من این کار را نکردم و پذیرفتم که حقیقت همین است. متأسفانه این آمار دقیق است.

ما: چرا این طور است؟ علت چیست؟ حدمن: مردم، یا همان مراجعان، دواها را درست نمی‌خورند و دستورهای تخصصی مرا به خوبی انجام نمی‌دهند. شما اگر بخواهید طبیب کمک‌تان کند یا دوا تأثیر خوبی در بدن‌تان بگذارد، باید دستورات طبیب را مو به مو اجرا کنید و دواها را همان‌گونه که طبیب گفته مصرف کنید.

ما: به هر حال، ما نمی‌خواهیم زیاد به این قضیه بیچشم. برگردیم به رتبه‌های علمی‌تان. چطور شد که تصمیم گرفتید حجت الاسلام شوید؟

حدمن: به خاطر عشقم به آیین‌های بخش اسلام. می‌خواستم دینم را به شکل علمی

بشناسم. به همین خاطر به مدرسه رفتم، زبان دینم را آموختم و سعی کردم احکام فقه و اصول دین خود را به صورت اساسی بشناسم. الحمدلله در این کار توفیق زیادی هم داشتم.

ما: شما خطیب هستید و در مساجد وعظ و سخنرانی می‌کنید. درست است؟ حدمن: بلی، بلی. با اشتیاق بسیار این کار را می‌کنم. می‌گویند زکات علم پخش کردن آن در میان مردم است. من در واقع زکات علمم را می‌دهم. از این کار لذت می‌برم.

ما: وضعیت دینداری را در جامعه‌ی ما چگونه می‌بینید؟ حدمن: متأسفانه نه چندان خوب. مخصوصا نسل جوان ما چنان که باید از تعالیم عالی‌ی دین آبابی خود اطلاع ندارند. اهمال و غفلت زیادی در این گروه می‌بینم. نوعی دل‌سردی.

ما: علت این دل‌سردی چیست؟ حدمن: بخشی از آن معلول تبلیغات دشمنان اسلام است. جوانان ما در معرض این تبلیغات هستند و طبعاً وقتی شب و روز با این تبلیغات منفی بمباران می‌شوند، تأثیر هم می‌پذیرند. بخشی دیگر به خاطر کوتاهی ماست. ما نتوانستیم این دین‌رهای بخش را خوب معرفی کنیم.

ما: بعضی می‌گویند خود تعالیم دین اسلام برای عصر ما کافی یا مناسب نیستند. به نظر آنان مشکل در خود آیین ماست. حدمن: به هیچ وجه. تعالیم دین مقدس اسلام

برای همه‌ی اعصار است. آموزه‌های این دین هرگز کهنه نمی‌شوند، چرا که با فطرت بشری سر و کار دارند. مشکل در تطبیق است. به قول معروف، اسلام به ذات خود ندارد عیبی، هر عیب که هست در مسلمانی ماست.

ما: با شما موافقیم. یک سوال درباره‌ی مسأله‌ی قبلی. وقتی شما می‌شنوید که از هر صد نفری که به شما مراجعه می‌کنند نود و پنج نفرشان می‌میرند، گاهی با خود فکر نمی‌کنید که ممکن است تشخیص شما نادرست باشد یا دواهای‌تان تأثیر معکوس می‌گذارند؟

حدمن: نخیر. این طور فکر نمی‌کنم. من کارم را درست انجام می‌دهم. بیماران کار خود را درست انجام نمی‌دهند. تقصیر من چیست؟ فرض کنید من برای تداوی شما نسخه می‌نویسم و دوا می‌دهم. دستوره‌های مشخصی هم به شما می‌دهم. شما دوا و نسخه و راهنمایی مرا به خانه می‌برید و به علل و دلایل مختلف یا دوا را نمی‌خورید یا کم و زیاد می‌خورید یا راهنمایی‌های فنی مرا فراموش می‌کنید. آیا در این میانه من مقصرم؟

ما: ولی اگر از هر صد نفر نود و پنج‌تای‌شان دوا می‌خورند و درست مصرف نکنند یا هیچ مصرف نکنند یا دستورات شما را غلط اجرا کنند، این شما را به فکر نمی‌اندازد؟ حدمن: نخیر. به چه فکری؟

ما: به این فکر که این وضعیت خوبی نیست و

این‌که بالای نود و هفت درصد کشورهای اسلامی عقب‌مانده و فقیر هستند، به خاطر این است که سر گنج نشسته‌اند اما نمی‌دانند که سر گنج نشسته‌اند. بهترین دین و بهترین کتاب دنیا در اختیارشان است، نقشه و رهنمود دنیوی و اخروی در خدمت‌شان هست. اما از آن استفاده نمی‌کنند یا استفاده‌ی غلط می‌کنند. این ربطی به اسلام ندارد. ما مسلمانان خوبی نیستیم. همین چند روز پیش یکی از بیماران من که همسایه‌ی دیوار به دیوار من هست، فوت کرد. بیمار من بود. همسایه‌ی من بود. همسایه‌ی یک طبیب متخصص. اما چه سود وقتی که به بهترین طبیب متخصص دسترسی داشته باشی، اما دستوراتش را عملی نکنی یا درست و دقیق عملی نکنی؟

استثنای یکی دو کشور) که وضعیت خوبی داشته باشد و به پیشرفت و رفاه رسیده باشد؟ ما: اتفاقاً ما هم می‌خواستیم همین سوال را مطرح کنیم؟

حدمن: بسیار خوب. ببینید، این‌که بالای نود و هفت درصد کشورهای اسلامی عقب‌مانده و پریشان و فقیر هستند، به خاطر این است که سر گنج نشسته‌اند اما نمی‌دانند که سر گنج نشسته‌اند. بهترین دین و بهترین کتاب دنیا در اختیارشان است، خوب‌ترین نقشه و رهنمود دنیوی و اخروی در خدمت‌شان هست؛ اما از آن استفاده نمی‌کنند یا استفاده‌ی غلط می‌کنند. این ربطی به اسلام ندارد. ما مسلمانان خوبی نیستیم. همین چند روز پیش یکی از بیماران من که همسایه‌ی دیوار به دیوار من هست، فوت کرد. بیمار من بود. همسایه‌ی من بود. همسایه‌ی یک طبیب متخصص. اما چه سود وقتی که به بهترین طبیب متخصص دسترسی داشته باشی، اما دستوراتش را عملی نکنی یا درست و دقیق عملی نکنی؟

ما: چرا مردم دستورات شما را درست و دقیق عملی نمی‌کنند؟ یا چرا به آن دستورات هیچ عمل نمی‌کنند؟

حدمن: نادان هستند. جاهل‌اند. عقل‌شان نمی‌رسد. به سود و زیان خود نمی‌فهمند. ما: در این صورت، آیا نباید شما این چهل و نادانی آنان را نیز در کار طبابت‌تان لحاظ کنید؟

حدمن: نه. من که مسئول نادانی آنان نیستم. در دین هم همین طور است. خداوند متعال می‌گوید قد تبین الرشد من الغی. یعنی چه؟ یعنی این که راه درست از راه گمراهی برای‌تان توضیح شده، روشن شده. حالا شما می‌خواهید هدایت شوید، می‌خواهید گمراه شوید. انتخاب با شماست که کافر می‌شوید یا شاکر. وقتی که من به روشنی به بیماران خود می‌گویم که دوا این است، نسخه این است، شکل درست استفاده از دوا این است، دیگر مسئولیت من نیست که آنان با دوا و نسخه چه کار می‌کنند. شما نود و پنج نفر می‌گویید. من می‌گویم اگر از صد نفر هر صدتای‌شان هم بمیرند گناه خودشان است.

ما: می‌خواستیم درباره‌ی مسائل کشوری هم صحبت کنیم. ولی متأسفانه وقت نداریم. حاشیه‌ی گفتوگوی ما زیاد شد.

حدمن: سپاسگزارم که به من فرصت دادید در مورد بعضی مسائل روشنگری کنم.

ما: تشکر از شما.

حدمن: تشکر.

شاید لازم باشد شما در جانب خود تغییراتی در کار یا در دوا یا در دستورات خود بدهید... حدمن: برادر من، من که نمی‌توانم اصول خود را زیر پا کنم.

ما: ولی می‌بینید که آدم‌ها می‌میرند. کم هم نه. از هر صد نفر نود و پنج نفرشان می‌میرند.

حدمن: خوب، این معنایش این است که طبابت من مشکل دارد یا علم طب باید تغییر کند. در تطبیق خطا رخ می‌دهد. آن هم توسط خود بیماران. من یک مثال دیگر بدهم: همه‌ی ما و شما الحمدلله مسلمان هستیم و کلمه خوانده‌ایم و دین مقدس اسلام را دین سعادت دنیوی و اخروی خود می‌دانیم. آیا اگر کسی به دستورات قرآن کریم و سنت پیامبر عمل نکند و به جهنم برود، خدای نخواستند تقصیر از قرآن کریم یا از سنت پیامبر است؟ ما: نخیر. تقصیر از خود همان فرد است.

حدمن: بارک الله. آیا وقتی افراد گمراه شدند و در بدبختی دنیوی افتادند و سرانجام به جهنم رفتند، ما باید اسلام را ملامت کنیم؟ ما: نه. طبعاً در این مورد خود آن افراد مسئول هستند.

حدمن: آفرین. آفرین. در مورد طبابت من هم قصه از همین قرار است.

ما: اگر... حدمن: ببخشید حرف‌تان را قطع می‌کنم. همین امروز به کشورهای اسلامی نگاه کنید. شما کدام کشور اسلامی را می‌بینید (به



دکترهنی، اوبولگولو و مالداری وزارت  
وزارت زراعت، آبیاری و مالداری

معینیت مالی واداری  
ریاست تهیه و تدارکات  
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

د افغانستان اسلامي جمهوریت  
جمهوری اسلامی افغانستان



### «دعوت به داوطلبی روش باز ملی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/PD/NCB/G287/1400

ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروژه داوطلبی پروژه (تدارک ۱۵ قلم وسایل تکنالوژی و تجهیزات دفتری مورد ضرورت ریاست عمومی ترویج زراعتی) تحت شماره تشخیصیه (MAIL/PD/NCB/G287/1400) اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرزالعمل تدارکات عامه الی ساعت ۱۰:۰۰ بجای قبل از ظهر روز سه‌شنبه مورخ ۰۸/۰۴/۱۴۰۰ ارایه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد. تضمین آفر مبلغ (۵۰,۰۰۰) پنجاه‌هزار افغانی طبق شرطنامه، و شرایط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات عامه) می‌باشد.

آدرس مکان جلسه: اتاق جلسات آفرگشایی منزل دوم، تعمیر حفظ و مراقبت، عقب ریاست منابع بشری، وزارت زراعت، آبیاری و مالداری. داوطلبان می‌توانند اسناد مکمل داوطلبی را از وبسایت اداره تدارکات ملی [www.npa.gov.af](http://www.npa.gov.af) دانلود نمایند، در صورت عدم دانلود از وبسایت، می‌توانند شرطنامه را در سی‌دی یا فلش دیسک بشکل سافت و مجانی از آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیرمشورتی ریاست تهیه و تدارکات واقع تعمیر معینیت مالی و اداری منزل اول، وزارت زراعت، آبیاری و مالداری بدست آورند.

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: لیلیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذکر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی

بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیرمهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲



## کرونا در برزیل؛ فوکوشیمای بیولوژیک، تهدیدی جهانی

بی‌کفایت و بالقوه جنایتکارانه بولسانارو - همانطور که کمیسیون از وکلای دادگستری برزیل در یک گزارش رسمی تازه نتیجه گرفته‌اند - برزیل به یکی از بزرگ‌ترین آزمایشگاه‌های روباژ جهان تبدیل شده است که در آن نسخه‌های جهش‌یافته سارس-کو-۲ فرصت یافته‌اند که به شیوه‌ها و در مقیاس غیرقابل تصور تولیدمثل کنند. در کنار جهش‌های نگران‌کننده خود سارس-کو-۲ در سراسر برزیل، زمینه برای انواع متفاوت این ویروس از جمله نوعی به مراتب کشنده‌تر همچنان فراهم است.

این گونه‌ها به محض پیدایش قادر خواهند بود طی فقط چند هفته به تمام کشورهای امریکای لاتین برسند و بعداً بقیه جهان را آلوده کنند. نوع پی‌۱ که در ویرانگری موج دوم همه‌گیری در برزیل نقش داشته است، اکنون دست‌کم در ۳۷ کشور جهان شناسایی شده است. یک فوکوشیمای بیولوژیک واقعی. فاجعه برزیل همچون واکنش زنجیره‌ای غیرقابل کنترل یک راکتور هسته‌ای، همه نشانه‌های یک تهدید جهانی نوظهور را دارا است.

در این وضعیت جامعه جهانی باید با اعمال فشار بر دولت برزیل برای اصلاح رفتارش نسبت به همه‌گیری، به منظور مهار گسترش ویروس و رسیدگی به موارد جدیدی ابتلا به ویروس و همچنین مرگ‌ومیر ناشی از آن، واکنش نشان دهد. برای این کار سازمان جهانی بهداشت و حتی شورای امنیت سازمان ملل متحد باید از برزیل بخواهند که یک کارگروه علمی سطح کشوری را با پشتوانه سیاسی و مالی کافی برای مدیریت همه‌گیری در کشور ایجاد کند. این کارگروه باید صلاحیت وضع اقدامات سختگیرانه همچون فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه سراسری را داشته باشد. همچنین این کارگروه باید با جامعه بین‌المللی برای دریافت واکسن موردنیاز و داروهای فوری در اسرع وقت، وارد عمل شود.

به دولت برزیل باید واضح و قاطعانه هشدار داده شود که عدم همکاری با جامعه جهانی برای تحت کنترل درآوردن همه‌گیری، می‌تواند منجر به انزواي بیشتر این کشور و حتی اعمال تحریم‌های اقتصادی شود. هرچند نوشتن این سطور درباره کشور موردعلاقه‌ام دردناک است، اما راه دیگری برای برخورد با رئیس‌جمهور برزیل و حکومتی که داوطلبانه برزیل را به کام بزرگ‌ترین بحران انسانی تاریخ این کشور سوق داد و چشم خود را بر رنج عظیمی که این بحران بر مردم برزیل تحمیل کرده است، بست، نمی‌بینم. پیام ما به جامعه جهانی و پیام جامعه جهانی باید بلند و واضح باشد: یا با هم از این باتلاق خارج می‌شویم، یا هرگز از آن خارج نخواهیم شد.

میگل نیکولیس، پزشک و استاد نوروبیولوژی و مهندسی پزشکی در «دانشگاه دوک» است. او در برزیل ۱۱ ماه یکی از بزرگ‌ترین کارگروه‌های علمی مقابله با کووید-۱۹ را رهبری کرد.



ماهانه» در سال ۲۰۲۰ کاهش یافته است. در مارچ ۲۰۲۱ این مازاد به ۴۶ هزار کاهش یافت اما در ایالت‌هایی مانند «ریو گراند سول» و شهرهایی مانند «ریو دو ژانیرو»، آمار مرگ از تولد پیشی گرفته است. بقیه کشور نیز ممکن است به‌زودی این تغییر نگران‌کننده را تجربه کنند. تعداد مرگ‌ومیر روزانه اکنون در برزیل به حدی نگران‌کننده است که حتی گورستان‌های وسیع و مراکز مذهبی ساووپائولو با افزایش چشمگیر تقاضا دست و پنجه نرم می‌کنند. این وضعیت این پرسش را به میان می‌آورد که آیا در صورت ادامه این وضعیت به صورت فزاینده وخیم، ممکن است این کشور دیگر نتواند از عهده مدیریت اجساد قربانیان همه‌گیری برآید؟

با همه‌ی وحشت و رنج ناشی از فاجعه انسانی که همچنان در برزیل درحال گسترش است، دولت فدرال و به‌ویژه رییس‌جمهور برزیل عملاً هیچ کاری برای بهبودی وضعیت انجام ندادند. در واقع برعکس این اتفاق افتاده است: رییس‌جمهور «جیر بولسانارو» در موارد متعدد داوطلبانه نقش بهترین متحد ویروس را بازی کرده است. او از استفاده از داروهای پیش‌گیرانه مانند هیدروکسی کلروکین که در برابر کووید-۱۹ مؤثر نیست دفاع کرده است. او حتی دادخواستی را به دیوان عالی برزیل علیه اجرای هر نوع قرنطینه، یا استفاده گسترده از ماسک، ارائه کرده است و تلاش‌های کلیدی برای تهیه ده‌ها میلیون دوز واکسن موردنیاز برزیل را به صورت عجیب‌غریبی به ناکامی کشانده است.

بولسانارو که حالا با بیش از ۱۰۰ درخواست استیضاح و تحقیق قوه مقننه درباره عملکرد وی روبروست، نه‌تنها در برزیل بلکه در سراسر جهان به بزرگ‌ترین متحد سارس-کو-۲ تبدیل شده است. او دشمن درجه یک مردم در مبارزه جهانی با همه‌گیری کووید-۱۹ است. این را می‌گوییم چون در نتیجه عملکرد بد او در مدیریت بحران برزیل، و رفتار ناشایست،

**در برزیل، رقم تولد ماهانه از حدود ۱۲۶ هزار «تولد ماهانه بیشتر از مرگ ماهانه» در سال ۲۰۱۹، به ۹۶ هزار «تولد ماهانه بیشتر از مرگ ماهانه» در سال ۲۰۲۰ کاهش یافته است. در مارچ ۲۰۲۱ این مازاد به ۴۶ هزار کاهش یافت اما در ایالت‌هایی مانند «ریو گراند سول» و شهرهایی مانند «ریو دو ژانیرو»، آمار مرگ از تولد پیشی گرفته است. بقیه کشور نیز ممکن است به‌زودی این تغییر نگران‌کننده را تجربه کنند.**

باردار مبتلا به کووید-۱۹ در برخی از مناطق این کشور به ۱۲.۷ درصد می‌رسد. بیش از ۱۶۰۰ نوزاد تاکنون جان خود را از دست داده‌اند؛ یا در نتیجه تولد قبل از وقت، یا به دلیل اینکه آلوده به کووید-۱۹ متولد شده بودند و در اثر عوارض بعدی زنده نماندند. این آمار ۱۰ تا ۲۰ برابر بیشتر از ایالات متحده و بریتانیا است. و اگر هنوز تردید دارید که همه‌گیری کووید-۱۹ منجر به تغییرات ساختاری عمیق در جامعه برزیل شده است یا خیر، باید بگوییم که به احتمال زیاد برای اولین بار از زمان ثبت سوابق معتبر در برزیل، این کشور به زودی آمار ماهانه‌ای را به ثبت خواهد رساند که در آن تعداد مرگ بیشتر از پیدایش است.

در برزیل، رقم تولد ماهانه از حدود ۱۲۶ هزار «تولد ماهانه بیشتر از مرگ ماهانه» در سال ۲۰۱۹، به ۹۶ هزار «تولد ماهانه بیشتر از مرگ

کلان‌شهرهای مناطق جنوب و جنوب‌شرقی برزیل (شهرهایی همچون پورتو آلگره، فلوریانوپولیس و از همه مهمتر ساووپائولو) در آستانه سقوط قرار گرفتند. کلان‌شهر ساووپائولو به عنوان خانه بیش از ۲۳ میلیون نفر، با افتخار بزرگ‌ترین شفاخانه و زیرساخت‌های پزشکی را نه‌تنها در کل برزیل و امریکای لاتین بلکه در کل نیم‌کره جنوبی داراست. شفاخانه‌های خصوصی این شهر در دنیا بی‌نظیرند و کیفیت متخصصان مراقبت‌های بهداشتی در سطح ملی شناخته شده است.

با این حال هیچ‌یک از این مزیت‌ها نتوانستند ساووپائولو را از موجی که غرش کنان به سواحل این شهر می‌گرفت، محافظت کند. خیلی زود سیلی از بیماران صعب‌العلاج کرونایی از شهرهای بزرگ و کوچک حومه ایالت ساووپائولو و نیز بیمارانی از سایر ایالت‌های کشور، نزدیک به ۹۳ درصد تخت‌های آی‌سی‌یوی موجود در شهر را اشغال کرد و در واقع کل نظام بهداشت را به سمت فروپاشی سوق داد. گزارش‌های هفتگی بنیاد معروف Oswaldo Cruz نشان می‌دهد که اکثر شهرهای بزرگ برزیل، دقیقاً شبیه ساووپائولو عین موج له‌کننده همه‌گیری و عین تقاضای سرسام‌آور برای تجهیزات آی‌سی‌یو را تجربه کرده‌اند.

سیلی از بیماران عاجل و به تبع آن ازدحام بیش از حد آی‌سی‌یوها و درمان‌گاه‌ها، کمبود داروهای اساسی و دستگاه تنفس، در کنار خستگی مفرط متخصصان بهداشت تأثیر شدیدی بر نتیجه همه‌گیری در برزیل داشته است. در ساووپائولو از هر ۱۰ بیمار آی‌سی‌یو که طی چهار هفته اخیر به دستگاه تنفس نیاز پیدا کرده بودند، هفت نفر زنده نماندند. در برخی از ایالت‌های شمال و شمال‌شرقی از هر ۱۰ بیمار آی‌سی‌یو ۹ تن جان دادند. از زمان آغاز همه‌گیری برزیل شاهد افزایش پیوسته درصدی مرگ‌ومیر زنان باردار آلوده به کووید-۱۹ بوده است. آمار مرگ‌ومیر زنان

میگل نیکولیس، ساینتیفیک امریکن  
 مترجم: جلیل پژواک

در برزیل احساس می‌کنید وسط میدانی نابرابر ۱۴ ماه است در محاصره دشمنی مرگ‌بار قرار دارید که مدام به شما و خانواده شما نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. این دشمن بیولوژیک به شکلی درحال نمو است که به‌نظر می‌رسد هرکسی را دستش رسد آلوده می‌کند، نه رحمی برای زنان باردار دارد و نه مدارایی با نوزادان تازه‌متولد.

ویروس طی ۱۲ ماه جان ۳۹۰ هزار برزیلی را گرفت، اوایل ماه اپریل آمار جان‌باختگان کووید-۱۹ به بیش از ۴ هزار مرگ در روز، و آمار مبتلایان جدید به ۱۰۰ هزار مورد در روز رسید. در شفاخانه‌های برزیل، کشوری دارای یکی از بزرگ‌ترین نظام‌های ملی بهداشت در جهان، بزرگ‌تر از نظام ملی بهداشت ایالات متحده، تخت مراقبت‌های ویژه خالی نمانده است. سونامی‌ای متشکل از ده‌ها هزار بیمار عاجل، به فروپاشی بی‌پیشینه نظام بهداشت برزیل و رکوردی جدید در آمار مبتلایان و جان‌باختگان جامعه پزشکی و پرسنل صحت سطح جهان منجر شد. علاوه بر این ذخیره تجهیزات پزشکی برزیل و وسایل موردنیاز برای لوله‌گذاری بیمارانی که برای زنده‌ماندن به دستگاه تنفسی نیاز دارند، به پایین‌ترین سطح در کل تاریخ برزیل رسیده و ممکن است به‌طور کامل خالی شود، زیرا دولت فدرال در با پرکردن ذخایر ملی از چند ماه پیش ناکام مانده است.

به‌طور خلاصه، از اواسط ماه اپریل ۲۰۲۱ برزیل به کشتارگاهی برای شهروندانش تبدیل شده است. موج دوم و ویرانگر همه‌گیری کووید-۱۹ در این کشور اواسط ماه نوامبر سال ۲۰۲۰ هر پنج منطقه را در بر گرفت. این موج تا حدی نتیجه‌ی نرم‌شدن پیش از وقت پیش‌گیرانه و قرنطینه بود که حداقل تا آن زمان برخی از مناطق کشور را در برابر بدترین ضربه‌های موج اول همه‌گیری محافظت کرده بود. کارزارهای سیاسی برای انتخابات سرتاسری سال ۲۰۲۰ و رویدادها و گردهمایی‌های مرتبط با آن، ویروس را به سراسر کشور پخش کرد. وقتی کریسمس و کارناوال (بزرگ‌ترین جشن ملی در برزیل) از راه رسید، اوضاع بدتر شد.

اما فاجعه برزیل به اینجا ختم نمی‌شود؛ برزیل در چنگال گونه جدیدی از سارس-کو-۲ معروف به نوع P.۱ است که اولین بار در منطقه آمازون برزیل ظاهر شد. نوع «پی‌۱» پس از آنکه شهر «مانائوس»، بزرگ‌ترین کلان‌شهر آمازون را در نورددید، اوایل سال ۲۰۲۱ به سرعت به سراسر کشور پخش شد. پی‌۱ که حداقل ۲.۵ برابر مسری‌تر از نسخه اصلی سارس-کو-۲ است، همان جرقه‌ای بود که موج دوم را به یک سونامی تمام‌عیار تبدیل کرده است. سونامی‌ای که برزیل را به زانو درآورده و بزرگ‌ترین و ویران‌کننده‌ترین بحران انسانی را در تاریخ این کشور ایجاد کرده است. اوایل ماه مارچ پس از فروپاشی نظام بهداشت شهر مانائوس، شفاخانه‌ها در ثروت‌مندترین



فروشگاه F45  
 افتتاح شد!

**F45**

سرک عمومی قلعه فتح الله، بین سرک ۸ و ۹، سعادت پلازا، کابل - افغانستان.

www.F45.af/info